

## فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره یازدهم، زمستان ۱۴۰۱، ص ۳۵۵-۳۷۹

### راهکارهای تربیت معنوی فرزند در محیط خانواده از دیدگاه اسلام، آیات و روایات

مهدی اسلامی نسب<sup>۱</sup>

محسن بندانی<sup>۲</sup>

بی بی مریم پارسا<sup>۳</sup>

زهره دهاقانی نیکو<sup>۴</sup>

#### چکیده

اسلام و قرآن با ارائه بینش‌ها، آگاهی‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، احساس‌ها و الگوهای اجتماعی توانسته است بیشترین تأثیر را بر نحوه زیستن انسان‌ها از خود نشان دهد. مسأله تربیت معنوی فرزندان که امروزه از مشکلات خانواده و جامعه به شمار می‌رود از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چرا که آینده حکومت‌ها به روش تربیت فرزندان بسته است، با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر قرآن و حدیث پیش می‌رود لازم است فرزندان این سرزمین با توجه به آموزه‌های قرآن و حدیث تربیت شوند. پژوهش حاضر با روشی توصیفی تحلیلی به شیوه‌های تربیت معنوی فرزندان بر اساس آموزه‌های قرآنی - حدیثی می‌پردازد. روش مورد استفاده در انجام این پژوهش، تحلیل اسنادی است که بر اساس آن همه‌ی منابع نوشتاری و غیرنوشتاری مربوط به موضوع، شناسایی و با انجام نمونه‌گیری هدفمند، داده‌های لازم از طریق فرم‌های فیش‌برداری گردآوری می‌شوند. نتیجه آنکه از دیدگاه اسلام، آیات و روایات، تربیت صحیح فرزند، جایگاه ویژه داشته است. موفقیت در تربیت عبادی معنوی فرزند، به بودن دستورات اسلامی در تربیت و نبود عوامل آسیب‌زا بستگی دارد. از این رو، شناخت شیوه‌های تربیت فرزند امری سرنوشت‌ساز می‌باشد. تربیت معنوی در ابعاد عقلانی، اجتماعی، عاطفی و اخلاقی صورت می‌گیرد. از دوره ی کودکی آغاز و نهال آن در نوجوانی شکوفا می‌گردد. به نحوی که در اخلاق و عادات، آداب و رفتار، در افکار و عقاید فرد تأثیرگذار است. والدین نیز نقش مهمی در تربیت معنوی خانواده و سالم سازی جامعه دارند.

**واژه‌های کلیدی:** تربیت معنوی، فرزند، شیوه‌ها، خانواده، اسلام، آیات، روایات

<sup>۱</sup> طلبه سطح دو حوزه علمیه قم، رشته فقه و اصول، فعال فرهنگی، ایمیل: [eslamimahdi91@gmail.com](mailto:eslamimahdi91@gmail.com)

<sup>۲</sup> طلبه سطح سه حوزه علمیه مشهد، رشته تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام، مدرسه تخصصی قرآن و عترت شهر مشهد؛ پژوهشگر و فعال فرهنگی، ایمیل: [mohsenbandani2053@mailfa.com](mailto:mohsenbandani2053@mailfa.com)

<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد مدیریت از دانشگاه آزاد علی آباد؛ دانشجوی ارشد علوم تربیتی از دانشگاه آزاد آزاد شهر؛ فرهنگی، معاون آموزش مدرسه ساره آق آباد؛ ایمیل: [bibimaryamparsa1401@gmail.com](mailto:bibimaryamparsa1401@gmail.com)

<sup>۴</sup> کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان انگلیسی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، دبیر زبان انگلیسی مدرسه غدیر ناحیه ۳ استان قم، ایمیل: [zohrenikoo3@gmail.com](mailto:zohrenikoo3@gmail.com)

## مقدمه

اسلام و قرآن با ارائه بینش‌ها، آگاهی‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، احساس‌ها و الگوهای اجتماعی توانسته است بیشترین تأثیر را بر نحوه زیستن انسان‌ها از خود نشان دهد. آخرین دین آسمانی برای تمام نیازهای درونی و بیرونی راهکار نشان داده و با عرضه الگوهای رفتاری متنوع، انسان را به سرمنزل مقصود رهنمون کند و به حیات جاودانه نائل گرداند. یکی از ویژگی‌های انسان، تربیت‌پذیری اوست. خداوند سبحان با نزول کتاب آسمانی و مبعوث نمودن انبیا، انسان را در مسیر تربیت و هدایت قرارداد تا زمینه‌ی به فعلیت رسیدن استعدادها و فراهم آید. اما این وظیفه منحصر به انبیا نبوده و خداوند متعال در سوره فرقان یکی از ویژگی‌های بندگان راستین را توجه خاص به تربیت فرزند و خانواده خویش می‌داند. تربیت، ابعاد مختلفی چون جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی دارد. از مهم‌ترین ابعاد تربیت، تربیت معنوی است که به عقیده‌ی ما در تربیت اسلامی، پرورش این بعد، غایت همه‌ی ابعاد دیگر است. این نوع تربیت که شامل پرورش بعد معنوی انسان و فراهم نمودن زمینه‌ی ارتباط انسان با خداوند و در نهایت پرورش انسان برای رسیدن به قرب الهی است، بسیار مورد تأکید قرآن و ائمه: بوده است و آن بزرگواران در تمام صحنه‌های زندگی بیش‌ترین اهمیت را به پرورش این بعد فرزندان می‌دادند و برای تحقق آن از شیوه‌های خاص بهره می‌گرفتند. تربیت معنوی به مفهوم فراگیر آن که به معنای آموزش و پرورش معنوی است، می‌تواند کلیدی‌ترین نقش را در توسعه و کمال معنوی یک جامعه ایفا نماید. هرگونه کاستی یا کوتاهی در این امر، موجب بروز اختلالات و نابهنجاری‌های جبران‌ناپذیری در پرورش نسل نوین هر جامعه می‌شود. از این رو، برای اصلاح جامعه و پیشگیری از انحرافات اجتماعی، لازم است، فرآیند تربیت در اندیشه‌ی معنوی، شناسایی شود. از آنجاکه آغاز این امر در خانواده است؛ لذا موفقیت در این وظیفه‌ی مهم الهی متوقف بر آشنایی والدین با مراحل تربیت فرزندان در قبل از تولد و بعد از آن و در دوران کودکی و نوجوانی است که والدین محترم با آشنایی از اصول حاکم بر تربیت کودکان و شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم آن می‌توانند به این هدف مهم دست پیدا نمایند. از این رو این پژوهش شیوه‌های تربیت معنوی فرزندان را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. تربیت معنوی «تربیتی خداگرا، خدامحور و اصلاح‌کننده‌ی رابطه‌ی انسان با آفریدگار است. ویژگی بارز چنین رویکردی تقویت بنیان‌های اعتقادی و عرفانی (شناخت و معرفت خدا) و روحیه‌ی عبودیت و بندگی است. در واقع، تربیت معنوی برای این است که انسان روابط خود را با خدا، جهان، زندگی دنیا و آخرت شکل دهد و طبق همان صورتی که فلسفه‌ی کلی جامع اسلامی از خالق، انسان، جهان و زندگی دنیا و آخرت تعیین کرده است، گام بردارد. بر این اساس، وقتی در پرتو تربیت معنوی، رابطه‌ی انسان نسبت به معبود خود، در مسیر درست قرار گرفت و زندگی او رنگ و بوی الهی یافت، تربیت واقعی صورت گرفته و انسان گام‌های بلندی برداشته است. روشی که در این پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. بدین صورت که پس از انجام مطالعات مقدماتی مرحله اول و اثبات واقعی بودن اعتبار مسأله به صورتی که پیش از این به صورت خاص به این مسأله پرداخته نشده و پژوهش‌هایی که کار شده به این مسأله پاسخ نداده‌اند. سپس با انجام مطالعات مقدماتی مرحله دوم به تعریف مسأله و شناخت ابعاد مسأله پرداخته شد و با تشکیل پرونده علمی پیشینه تحقیق را شناخته و وجوه مجهول مسأله کشف که پس از تایید طرح تحقیق و جمع‌آوری مطالب به تحلیل و نتیجه‌گیری آن‌ها پرداخته خواهد شد. جمع‌آوری اطلاعات از طریق فیش‌برداری و مطالعات کتابخانه‌ای است. و از منابع دست اول از قبیل: قرآن، روایات و کتب حدیثی. ابزار جمع‌آوری اطلاعات فیش‌برداری می‌باشد. پس از آن به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات فیش‌ها به صورت منطقی چینش و با مطالعه مکرر اطلاعات تراوش‌های ذهنی را یادداشت و به

نگارش پژوهش می‌پردازیم. توجه به آیات و روایات نشان می‌دهد تربیت معنوی فرزند در مسیر نیل به اهداف متعالی از مباحث بسیار مهم و مورد توجه دین مبین اسلام می‌باشد. به گونه‌ای که با جستجو و تامل در قرآن کریم و سیره عملی پیشوایان دین اسلام می‌توان راهبردهای تربیت معنوی فرزند را شناسایی کرد و بکار برد. از جمله این راهبردها مراحل، شیوه‌ها و اصول حاکم بر تربیت فرزند می‌باشد. از این رو این پژوهش برای تبیین دقیق مسأله تربیت فرزند می‌تواند نظر صحیح دین را نسبت به این موضوع کشف و در اختیار جامعه علمی و نهادهای تربیتی قرار دهد تا با نظر دین مبین اسلام در رابطه با تربیت معنوی فرزندان آشنا و از آن بهره‌برداری نمایند. این پژوهش در بستر اسلام، آیات و روایات به ماهیت شناسی ابعاد مسأله تربیت فرزند در محدوده زمانی آغاز بعثت پیامبر گرامی اسلام تا کنون و بررسی مسأله تربیت معنوی فرزند در قلمرو زندگانی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و معارف ناب قرآن کریم خواهد پرداخت.

## مفهوم شناسی

### ▪ مفهوم روایت

تعابیر «روایت» نشانگر، فعل، تقریر، امضاء، اقوال و آثار برجای مانده از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه‌ی معصومین: است. «روایت» مصدر «روی، بروی» در اصل به معنای حمل کردن و یا چیزی است که خود متعلق حمل واقع می‌شود؛ چنان که عرب می‌گوید: «روی البعیر الماء» یعنی شتر آب را حمل کرد. از همین رو کلمه ترویبه به معنای آب‌رسانی است؛ چنان که عرب‌ها به روز هشتم ذی الحجه «یوم الترویبه» می‌گفته‌اند؛ به این جهت که آب را از مکه به صحرای عرفات منتقل می‌کرده‌اند (مدیر شانه چی ۱۳۷۸، ۱۱) اما کلمه‌ی روایت در مفهوم ثانویه خود به سخن و کلام نیز اطلاق شده است؛ چرا که سخن و کلام می‌تواند از طریق نقل شدن به دیگران انتقال یابد و از این جهت به ناقل سخن نیز «راوی» گویند. به همین ترتیب کلمه روایت در علم الحدیث بر نوع خاصی از کلام یعنی کلام معصوم اطلاق گشته است که در پژوهش حاضر همین معنا مورد نظر می‌باشد.

### ▪ مفهوم تربیت

«تربیت»، مفهوم بی‌پایان و بی‌کرانه‌ای است که تمامی شئون و ساحت‌های حیات انسانی را در بر می‌گیرد؛ تربیت نه در حصار زمان محدود می‌شود و نه در قلمرو مکان می‌گنجد. فراتر از محیط، وسیع‌تر از عالم و ژرف‌تر از رفتار بیرونی و نهان و سرشت آدمی است. تربیت ریشه در هزاران نسل پیشین انسانی دارد و سایه‌ی تأثیر آن بر تمام نسل‌های پسینی نیز ادامه خواهد داشت. فرآیند تربیت، در اقتصاد، مدیریت، سیاست، جنگ، صلح، هنر، ادبیات، تکنولوژی، دانش‌های انسانی، روابط اجتماعی، رشد و تعالی درونی‌ترین ویژگی‌ها، خصلت‌های روحی و روانی انسان‌ها رخ می‌نماید و برآیندهای مستقیم دارد. این فراروندگی و بی‌کرانگی تربیت، پیچیدگی در فهم حقیقت و چیستی آن را در پی آورده است، چندان که بسیاری از کارشناسان و دانشمندان تعلیم و تربیت از جمع‌بندی مفهوم تربیت، سوبه‌های تربیت، عوامل تربیت، آثار تربیت و تجلیات تربیت عاجز آمده و به تعریف‌های سطحی و تسامح‌بار بسنده کرده‌اند. با آن که اهمیت و نقش انحصاری تربیت در تحقق فرهنگ و تمدن و رشد و تعالی آن دو بر مریبان و اندیشه‌وران بزرگ پوشیده نبوده است، از همین رو، غزالی تربیت را پس از پیامبری، شریف‌ترین کار آدمی خوانده (غزالی، حافظ عراقی و عیدروس بی‌تا، ۳۵) و کانت آن را بزرگ‌ترین و دشوارترین مسأله‌ی آدمی دانسته (مجتهدی ۱۴۰۰، ۶۷) و افلاطون بر آن بوده است که فنی عالی‌تر و مقدس‌تر از تربیت نیست (کاظم زاده ایرانشهر ۱۳۱۷، ۱۰۱).

با این همه جای شگفتی دارد که تا کنون بر تعریف یگانه و یا همگون از تربیت، توافق نشده است. علت این ناهمگونی را از یک سو، چنان که اشاره شد، در محدوده و گستردگی تربیت و از دیگر سو، در گوناگونی رویکرد تعریف‌گران تربیت به هستی، خدا، جهان، انسان، معرفت و جامعه‌شناختی می‌باید سراغ گرفت. به دیگر سخن، هر کس از تربیت آن گونه که مایل به فهم آن بوده و گرایش‌های علمی و فکری وی ایجاب می‌کرده، دفاع کرده و تعریف ارائه داده است. از این رو، عده‌ای از تربیت‌پژوهان بزرگ، از یافتن تعریف شفاف و یگانه که پسندیده همگان افتد، ناامید گشته و تلاش در این راه را بیهوده انگاشته‌اند.

### ▪ مفهوم لغوی تربیت

واژه‌ی تربیت بر پرورش دادن استعداد‌های انسان یعنی فراهم کردن زمینه رشد استعداد‌های آدمی دلالت می‌کند. این واژه از ریشه‌ی «ربو» به معنی زادت، فزونی و رشد و برآمدن گرفته شده است (دل‌شاد تهرانی ۱۳۹۵، ۸۰). استفاده کردن و به کار بردن از این ریشه همین معنا «ربو» نفس عمیق بلند را گویند که موجب برآمدن سینه است. «ربوه» یعنی سرزمین بلند و مرتفع و «ربا» یعنی افزون شدن و نمو کردن که در اصطلاح شرع مخصوص افزایش سرمایه‌ی غیر سود شرعی است «ربیت الولد فربا» یعنی فرزند را تربیت کردم و او رشد کرد (همان به نقل از مفردات فی غریب القرآن، ابوالقاسم الحسین بن محمد الراغب اصفهانی). برخی از لغت‌شناسان اصل «ربو» را «ربب» می‌دانند (راغب اصفهانی و داوودی ۱۴۱۲، ۳۴۰). همین معنای اصلی در مصدر باب افعال بی هیچ تغییری به جا مانده است؛ چرا که «اربا» به معنای «زیاد کردن» است: «يُمَحِّقُ اللَّهُ الرَّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ؛ بقره، ۲۷۶» خداوند ربا را «می‌کاهد و نابود می‌گرداند و صدقه‌ها را فزونی می‌بخشد». از سوی دیگر، از سخنان لغت‌شناسان و از بررسی کاربرد واژه‌ی تربیت و مشتقات آن در قرآن کریم و روایات چنین بر می‌آید که ماده‌ی یاد شده آن گاه که به باب تفعیل می‌رود، هر نوع «زیاد کردن» را در برنمی‌گیرد؛ بلکه غالباً به معنای رسیدگی به امور موجود زنده انسان باشد، معمولاً رسیدگی یاد شده به دوران طفولیت وی منحصر رشد و نمو ظاهری است. اگر این موجود زنده انسان باشد، معمولاً رسیدگی یاد شده به دوران طفولیت وی منحصر می‌شود (ابن سینا بی‌تا، ۱۵۰). با این همه، نمی‌توان قاطعانه ادعا کرد که میان کاربرد واژه‌ی تربیت برای گیاه، حیوان و انسان مشابهتی کامل برقرار است؛ به گونه‌ای که هنگام به کارگیری آن درباره‌ی انسان نیز تنها رشد و نمو جسمانی مورد نظر است. به هرحال، قرآن کریم آن گاه که به زحمات پدر و مادر در دوران کودکی اشاره می‌کند، یکی از مشتقات واژه‌ی تربیت را به کار می‌برد و می‌فرماید: «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا؛ و بگو: پروردگارا، آن دو را رحمت کن چنان که مرا در خردی پروردند» (اسراء: ۲۴). «قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا؛ [فرعون] گفت: آیا در کودکی تو را نزد خود نپروردیم؟» (شعراء: ۱۸). چنان که برخی از روایات نیز تربیت را به هفت سال نخست زندگی اختصاص داده‌اند. صرف نظر از درستی یا نادرستی این سخن، میان مشتقات این دو ماده شباهت‌های معنایی فراوانی وجود دارد؛ چنان که گفته‌اند: «رَبَّيْتُ فَلَانًا أَرَبِّيَةَ تَرَبِّيَّتُهُ وَرَبِّيَّتُهُ وَرَبِّيَّتُهُ بِمَعْنَى وَاحِدٍ» (ابن منظور بی‌تا، ۱۲۸). در سوره‌ی اسراء آیه‌ی ۲۴ قرآن کریم همین معنا یعنی بزرگ کردن در مفهوم رشد جسمی آمده است: «قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا؛ بگو پروردگارا آن دو [پدر و مادر] را رحمت کن چنان که مرا در خردی پروردند». همچنین در حکمت ۶۲ نهج‌البلاغه آمده است که امام علی (علیه‌السلام) فرمودند «اذا حییت بتحیه فحی بأحسن منها و اذا اسدیت الیک یدفکا فنهأ لما یربب علی‌ها، الفضل مع ذلک العبادی؛ چون تو را ستودن، بهتر از آنان ستایش کن و چون به تو احسان کردند، بیش‌تر (افزون‌تر) ببخش به هرحال پاداش بیش‌تر از آن آغازکننده است» (دستی و شریف الرضی ۱۳۷۹، ۳۸۳). در اینجا واژه‌ی یربب به معنی زیادت و فزونی آمده است اما حضرت واژه «ربو» را به معنای سرزمین بلند و مرتفع، تپه و پشته در لغتی والا به کار گرفته و

فرموده است: «لایحقی علیه من عبادۀ شخوص لحظه و لاکرور لفظه و لا ازدلاف ربوه؛ بر خداوند پوشیده نیست خیره نگرستن بندگان و نه بازگشتن لفظی بر زبان ایشان و نه نزدیک شدنشان به پشته‌ای» (دل‌شاد تهرانی ۱۳۹۵، ۶۳). «دیدگاه مطابق با حقیقت آن است که اصل یگانه در معنای این ماده، انتفاخ برجسته شدن به همراه افزوده شدن است، به این معنا که چیزی در ذات خود برجستگی و گشودگی بیابد و سپس بر آن افزوده گردد. اما این مفهوم بر بسیاری از اهل لغت مشتبه شده و برای آن معنایی را برشمرده‌اند که با اصل معنای این ماده سازگار نیست، بلکه آن معانی از آثار و لوازم معنای اصلی است، همچون مطلق زیاد شدن، زیاد شدن از اندازه معمول، رشد و نمو، متورم شدن، افزایش در درازی، افزوده شدن در بزرگی، رشد کردن، نمو کردن و بالا آمدن». از این رو بین معنای ریشه مهموز و مضاعف این واژه تفاوت قائل شده و معنای آن را آن‌گاه که از ماده‌ی مهموز باشد، به معنای خود افزودگی و آن‌گاه که از ماده و ریشه‌ی مضاعف باشد، به معنای افزایش از بیرون دانسته و گفته است: «و بهذا يظهر الفرق بين هذه المادّی و بين الربب و الربا، فقولنا ربّی الصغیر مهموزالی علا و طال و ربّ الصغیر بالتضعیفای ساقه الی جهه‌ی الکمال» (همان). «بر اساس آنچه گفتیم، فرق بین این ماده و بین دو ماده‌ی ربّ (= مهموز) و ربّ (= مضاعف) معلوم می‌گردد؛ بدین معنا که هرگاه می‌گوییم «ربّی الصغیر» [= مهموز]، یعنی طفل قد کشید و بلند شد. اما معنا و مفهوم «ربّ الصغیر» [= مضاعف] این است که کودک را به جهت کمال سوق داد». هرگاه به کاربرد این واژه در دانش تربیت و اندیشمندان علوم تربیتی بنگریم، بدین رهیافت خواهیم رسید که تربیت با در نظر گرفتن همین ریشه (مضاعف) معنا شده است، چنان که در قرآن کریم نیز تربیت با ساختار لفظی رب و با همین معنا و نه جز آن، به کار رفته است. همچنین راغب اصفهانی می‌نویسد: الرب فی الامل التریبه و هو انشاء الشی حالا فی لالی حد التمام «رب» در اصل به معنی تربیت و پرورش است؛ یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالت دیگر در چیزی تا به حد نهایی و تام کمال خود برسد (راغب اصفهانی و داوودی ۱۴۱۲، ۱۸۴).

#### ▪ مفهوم اصطلاحی تربیت

امروزه مقصود بسیاری از اندیشمندان مسلمان از واژه‌ی تربیت، آنگاه که آن را در برابر تعلیم قرار می‌دهند و درباره‌ی انسان به کار می‌گیرند، «پرورش روحی و معنوی» است. با این حال، استفاده از تعبیری مانند «تربیت بدنی» نیز رواجی فراوان دارد. در اینجا چند نکته درخور توجه‌اند:

الف) چنان که اشاره شد، واژه‌ی تربیت درباره‌ی پرورش گیاه، حیوان و انسان به کار می‌رود؛ اما کار یک صنعتگر در شکل نو بخشیدن به یک ماده‌ی بی‌جان را تربیت نمی‌گویند. این بدان دلیل است که پرورش مستلزم فعلیت بخشیدن به استعدادهای نهفته و شکوفاسازی آن‌هاست، در حالی که موجودات بی‌جان دست کم بر اساس فهم عرفی و همگانی ما چنین استعدادی ندارند (مطهری بی‌تا، ۵۷-۵۶).

ب) در پرورش روحی و معنوی انسان، کار مربی عموماً فراهم کردن زمینه‌هاست. بی‌تردید عوامل دیگری نیز در جهت‌دهی به افعال آدمی مؤثرند و در نهایت، اداره و اختیار انسان است که کاری خاص را تحقق می‌بخشد و مؤلفه‌های علت تامه را کامل می‌سازد (مصباح یزدی ۱۳۸۸، ۲۸).

ج) قرآن کریم برای اشاره به پرورش معنوی و اخلاقی از واژه‌ی «تزکیه» استفاده کرده است؛ چنان که با اشاره به اهداف بعثت می‌فرماید: «يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (آل عمران: ۱۶۴؛ جمعه: ۲) تا پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد. این واژه اغلب بار ارزشی مثبت دارد و درباره‌ی آن نوع پرورش که اراده‌ی شخص پرورش‌یابنده در آن مؤثر است، به کار می‌رود. شهید مطهری در کتاب تعلیم و تربیت در اسلام می‌نویسد: «تربیت عبارت است از

پرورش دادن، یعنی به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی یک شیء (مطهری ۱۳۶۲، ۳۷). دکتر علی قائمی تربیت را چنین تعریف می‌کنند: «تربیت عبارت است از اراده و هدایت جریان ارتقایی و رشد بشر و جهت آن به سوی کمال و بی‌نیهایت» (قائمی ۱۳۷۶، ۵۹). در تعریف دیگر تربیت عبارت است از: ایجاد زمینه‌ی مناسب برای به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه و ایجاد صفات و فضایل اخلاقی در جهت نیل به کمال مطلوب (شرفی ۱۳۸۶، ۲۲). راغب اصفهانی بر آن است که: «الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ: التَّرْبِيَةُ وَ هُوَ إِنْشَاءُ الشَّيْءِ حَالاً فَحَالاً إِلَى حَدِّ التَّمَامِ» (راغب اصفهانی و داوودی ۱۴۱۲، ۱۸۴) «تربیت، دگرگون کردن گام به گام و پیوسته‌ی هر چیز است، تا آن‌گاه که به انجامی که آن را سزد برسد.» و بیضاوی، تربیت را «به کمال رساندن و ارزنده ساختن اندک اندک هر چیز» دانسته است (بیضاوی و محدث ۱۳۸۲، ۱۰). غزالی در تعریف تربیت دو قید و پسوند را لحاظ کرده و مؤلفه‌های تربیت را مرکب از سه ضلع مربی، پیراستن و آراستن متربی دانسته و آورده است: «پیری باید که او را راهنمایی کند و تربیت کند و اخلاق بد از وی ستاند و به در اندازد و اخلاق نیکو به جای آن نهد و معنای تربیت این است.» (غزالی و کیانی نژاد بی‌تا، ۸۷). محمد رشید رضا، تربیت را رشد نیروهایی می‌خواند که در خور پیشرفت و تعالی‌اند و ریشه در سرشت آدمی دارند. از دید او این رشد از دو راهکار سلبی و ایجابی به دست می‌آید؛ راهکار سلبی، برداشتن موانع رشد استعدادها و از میان بردن آنچه نیروهای گوهرین آدمی را از اعتدال باز می‌دارد. و راهکار ایجابی به معنای افزایش، رشد دادن و پرورش جسم و جان از راه تغذیه سالم و آموزش علم و دانش (رفیعی ۱۳۸۸، ۹۳).

#### ▪ مفهوم اصطلاحی تربیت معنوی

در چارچوب دین، «معنویت»، امری ذهنی، خیالی و حاصل از احساسات سرشار انسانی نسبت به واقعیات مادی نیست، بلکه احساسی است که انسان نسبت به حقایقی پیدا می‌کند که در افقی بالاتر از عالم ماده قرار گرفته‌اند؛ حقایقی که وجود دارند و بر عالم تأثیر می‌گذارند. در معنویت دینی، تجربه‌ی معنوی تنها در چارچوب و ضوابطی خاص میسر است. اصلاً بعضی از تجارب معنوی تنها زمانی حاصل می‌شوند که شما از بسیاری تجارب دیگر، چشم‌پوشی کنید. تجربه‌ی یک گناه، قطعاً احساس لطیف معنوی یک حضور در نماز را لکه‌دار می‌کند. البته منظور از «معنویت دینی»، معنویت دین اسلام است. ما از دینی سخن می‌گوییم که در آن، عقلانیت، معنویت و عدالت در کنار هم جمع شده‌اند. عقلانیت ما در زیر سایه‌ی وحی و در کنار آن است. عدالت ما با شریعت الهی چفت شده و ناقض شریعت نیست. معنویت اسلام نه از نوع معنویت بودایی است که هیچ ارتباطی به زندگی عینی نداشته باشد و نه امری حاشیه‌ای و سلیقه‌ای از نوع معنویت عرفان آمریکایی است که مثل یک سرگرمی با ال. اس. دی و ماری جوانا تأمین می‌شود؛ بلکه معنویت پاسخی است به نیازی که انسان در خود احساس می‌کند و اینجاست که ما باید دست به انسان‌شناسی و شناخت نیازهای واقعی و اصیل او بزنیم. از دیدگاه علامه طباطبایی، تربیت معنوی در جهت‌دهی به فرآیند تجرد نفس و متناسب با فطرت ربوبی او معنا می‌یابد که در پی تقویت میل، تفصیل معرفت و انجام عمل متناسب با آن است. بدین روی، اهداف تربیت معنوی دارای سه جنبه‌ی شناختی، گرایشی و عملی است. با توجه به معنای «تربیت» و «معنویت»، در تعریف «تربیت معنوی» می‌توان گفت: تربیت معنوی عبارت است از: پروراندن و رشد دادن معنویت فطری متربی تا رسیدن وی به مرز ایمان و دیدن باطن و ماورای ظاهر دنیا و رهایی از تعلقات مادی و ایجاد حال و شور و جاذبه‌ی قوی و شدید و در عین حال، منطقی و صحیح برای حرکت به سوی خدای یگانه و قرار گرفتن تحت ولایت نورانی او. این تعریف ریشه در آیات قرآن دارد. خدای تعالی در قرآن فرموده است: «اللَّهُ يَلِيُّ الْيَذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره: ۲۵۷)؛ خداوندی ولی و سرپرست یسانی کست یه ایمان آورده‌اند. آن‌ها را از ظلمت‌ها بی سوی نیر بیرین می‌برد.» و «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ

وَالْأَرْضِ... يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» (نور: ۳۵)؛ خداوند نور آسمانها ی زمین را به نور خود هدایت می کند. «هدایت به نور»، همان تربیتی است که موانع بهره بردن از نور الهی را از وجود انسان پاک و راه اتصال به منبع نور را هموار می کند؛ زیرا انسان از همان آغاز خلقت، دارای نوری فطری است که نوری است اجمالی؛ اگر مراقب او باشند ترقی می کند و تفصیل می پذیرد (طباطبایی، مشایخ و شاکر ۱۳۸۴، ۳۴۶).

## شیوه های تربیت معنوی فرزندان از دیدگاه اسلام، آیات و روایات

### ➤ شیوه ی مستقیم

فرزند، گلی است که پدر و مادر وظیفه دارند به عنوان باغبان آن را پرورش دهند تا عطر دل انگیز آن فضای خانواده و جامعه را شاداب و بانشاط کند. برای این که باغبانان در کار خود موفق شوند باید وظایف خود را به درستی انجام دهند و حقوق فرزند را به جای آورند. شیر دادن، انتخاب نام نیک، تعلیم قرآن، تربیت دینی، تکریم و احترام به اولاد، عدالت میان فرزندان از مواردی است که باید مورد توجه والدین قرار بگیرد. یکی از مسائلی که اکثر خانواده ها در رابطه با کودکان خود با آن مواجه هستند چگونگی تشویق کردن کودکان به کارهای خوب و پسندیده است. این که والدین در زمان انجام یک کار پسندیده از جانب کودکشان چه رفتاری از خود نشان دهند که انگیزه ی وی برای انجام دوباره را در پی داشته باشد. برخی خانواده ها برای تشویق فرزند خود به کار خوب به وی هدیه ای شامل پول و یا اسباب بازی و یا حتی یک شکلات یا آبنبات می دهند اما سؤال این جاست که آیا در این زمینه تشویق تا چه میزان می تواند مؤثر باشد. خانواده هایی هم هستند که برای برحذر داشتن کودکان خود از انجام کارهای بد یا شیطنت به آن ها هدیه می دهند، ترسی که در این مورد وجود دارد این است که کودک نسبت به دریافت جایزه بعد از هر کار خوب و یا دوری از هر کار بد منتظر دریافت هدیه و جایزه بماند و به نوعی یک رفتار شرطی در او به وجود آید.

### ▪ تربیت معنوی به روش موعظه و نصیحت

این روش از جمله روش هایی است که خداوند متعال برای تربیت همه ی انسان ها بدان سفارش کرده و در آیه ی ۱۲۵ سوره ی نحل در این رابطه می فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه ای] که نیکوتر است مجادله نما در حقیقت پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده داناتر و او به [حال] راه یافتگان [نیز] داناتر است.» موعظه ی نیکو، موعظه ای است که از جان پاک واعظی راه یافته، به روشی نیکو، از آن برای اصلاح و هدایت بهره گرفته شود و خود قرآن کریم، کتاب موعظه الهی است. در قرآن کریم در آیات ۵۷ سوره ی یونس، ۱۳ تا ۲۰ لقمان به زیبایی به این مبحث اشاره شده است.

### ▪ تربیت معنوی به روش تعلیم

این شیوه هم یکی از روش ها است که بیش تر در روایات ائمه روی آن تأکید شده مثلاً در بعضی از روایات، یکی از حقوق فرزند را «آموزش قرآن» و یا «سوادآموزی» برشمرده اند و در جای دیگر امام علی (علیه السلام) می فرماید: از دانش ما به کودکان خود چیزی بیاموزید که خداوند به واسطه ی آن سودشان بخشد (محمدی ری شهری، طباطبایی و حسینی ۱۴۳۴، ۷۱۰). و همچنین است آموزش نماز، شنا، تیراندازی که همه ی این ها در تربیت جسمی و روانی کودک مؤثر است و در تربیت قرآنی، احتیاط های لازم در امور جنسی کودک نیز حائز اهمیت شمرده شده او امر فرمود که کودکان باید با اجازه وارد اتاق خواب پدر و مادر شوند، می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! بردگان شما و همچنین کودکانتان که

به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند. آشنایی با تعالیم قرآن؛ اولین سنگ بنای تربیت دینی فرزند، حجت‌الاسلام و المسلمین سیداحمد میرعمادی، نماینده‌ی ولی فقیه در استان لرستان و امام جمعه خرم‌آباد در گفت و گو با خبرنگار ایکن در رابطه با حقوق فرزندان بر والدین گفت: اولین سنگ بنای تربیت دینی فرزند آشنایی با تعالیم قرآن کریم است چنان‌که امام علی (علیه‌السلام) در این رابطه فرموده است: از جمله حقوق فرزند بر پدر و مادر این است که نامی نیکو بر او بنهد و به‌خوبی تربیتش کند و قرآن را به او بیاموزد (سایت/ ۱۵ akharinkhabar.ir ۱۳۹۵/۱۱).

#### ▪ **تعلیم احکام**

وی افزود: آشنا کردن فرزند به احکام اسلام و حلال و حرام از جمله وظایف پدر و مادر بر فرزند است چنان‌که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این رابطه فرموده است: «فرزندان را در سن هفت سالگی وادار به نماز کنید و اگر خواستید تنبیه کنید از سن ده سالگی باشد و از این سن بیش‌تر بستر خواب آن‌ها را جدا کنید» (همان).

#### ▪ **ایجاد محبت اهل بیت (علیهم‌السلام)**

حجت‌الاسلام میرعمادی اضافه کرد: از موضوعاتی که در مسأله‌ی تعلیم و تربیت فرزند مطرح شده آن است که پدر و مادر، فرزند را بر دوستی علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) و فرزندان او تربیت کنند، زیرا مایه‌ی سعادت دنیوی و اخروی است چنان‌که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) خطاب به یکی از انصار فرمود: «فرزندان خود را بر دوستی علی (علیه‌السلام) ادب کنید.» (همان).

#### ▪ **آموزش‌های ویژه**

حجت‌الاسلام میرعمادی اظهار کرد: در تعالیم اسلام بر روی برخی از آموزش‌ها و تربیت‌ها برای فرزندان عنایت ویژه‌ای وجود دارد از جمله این موارد تیراندازی، شنا، سوارکاری و ... است (همان).

#### ▪ **تربیت معنوی به شیوه‌ی پرسش و پاسخ**

یکی از شیوه‌های تربیتی و تعلیمی در آموزه‌های اسلامی به ویژه روایات استفاده از شیوه پرسش و پاسخ در موضوع و مبحث مورد نظر است. بساری از روایات را می‌بینیم که این سبک تعلیمی را دارند. یعنی معصوم سعی بر آن دارد تا مطلب مورد نظر را با پرسش و پاسخ در ذهن مخاطب منعکس کند. قرآن کریم می‌فرماید: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل: ۴۳). در این آیه فاسالوا به صورت امر آمده یعنی وجوب پرسش در امور شرعی از عالمان و کسانی که می‌دانند. در آیه‌ی دیگر از قرآن می‌خواهیم: «وَأَسْأَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا» (زخرف: ۴۵) در اینجا باز هم مانند آیه پیشین به اهمیت سوال پرسیدن پرداخته شده است. بدین رو یکی از راه‌های به دست آوردن علم و یقین پرسش از افراد است. در جاهای مختلف قرآن کریم از شیوه پرسش و پاسخ به عنوان شیوه‌ی تعلیمی استفاده شده است، در باره آفرینش انسان فرشتگان نزد خداوند می‌گویند: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نَسْبِحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۳۰). فرشتگان در اینجا ابهام آن را دارند که این موجود خلق شده فسادکار و خونریز است! و این ابهام را نزد خداوند می‌برند و پرسش می‌کنند. خدای سبحان این آیه را در این باره برای فهم این مسأله در قرآن به صورت خبری می‌آورد تا این مفهوم برای ما انسان‌ها به شیوه‌ی پرسش و پاسخ فهم شود.

#### ▪ **تربیت معنوی به شیوه‌ی عکس‌العمل مناسب**

عکس‌العمل مناسب در برابر رفتار و گفتار فرزندان می‌تواند روشی مطلوب و آموزنده در انتقال مفاهیم معنوی باشد یک عکس‌العمل مناسب می‌تواند هزاران مطلب را در ذهن فرزند منعکس کند. عکس‌العمل مناسب می‌تواند تربیتی تخیلی



باشد و آنان را به سکوت وادارد. به این ترتیب از همان سال‌های ابتدایی رشد فرزند باید عکس‌العمل‌های خود را در مقابل رفتارهای فرزند ارزیابی کنیم تا بهترین آن‌ها را برگزینیم. در روایات می‌بینیم که معصومین در مقابل رفتارها و گفتارهای دیگران چه عکس‌العمل خوبی داشتند و سبب می‌شده تا دیگران به آن‌ها جذب شوند از جمله مستند این شیوه تربیتی عکس‌العمل حضرت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در مقابل افراد متعصبی که در مکه می‌آمدند و مسلمان می‌شدند. چون قبیله «اسعد» با قبیله‌ای دیگر مدت‌ها در جنگ و ستیز بود، اسعد برای تهیه اسلحه از مدینه به سوی مکه حرکت کرد. وقتی وارد مکه شد، ابتدا به قصد زیارت خانه خدا به طرف مسجد الحرام - که کعبه در زمان جاهلیت علی رغم وجود بت‌ها از احترام خاصی برخوردار بود- حرکت کرد. جلوی در مسجد الحرام شخصی جلوی اسعد را گرفت و گفت: کجا می‌روی؟ اسعد گفت: به زیارت می‌روم. مرد گفت: عیبی ندارد؛ ولی مواظب باش! چون در کنار حجر اسماعیل، مردی ساحر نشسته است؛ با کلامش مردم را سحر و جادو می‌کند! این پنبه را در گوش‌هایت فرو کن تا صدایش به گوش تو نرسد! اسعد این کار را انجام داد و به طواف مشغول شد. در این هنگام چهره زیبای پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) توجه او را جلب کرد؛ ولی سخنان آن حضرت را نمی‌شنید. با خود اندیشید که: عجب آدم نادانی هستم! بهتر است حرف‌های او را بشنوم؛ اگر خوب بود بپذیرم و گرنه قبول نکنم. پنبه‌ها را از گوش درآورد و آیاتی از قرآن به گوشش رسید؛ آیه شریفه ۱۷ و ۱۸ سوره زمر این منطق ریبا را تأیید کرده، می‌فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَيْهُمْ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمُ أُولُو الْأَلْبَابِ» بشارت بده (ای محمد) به بندگان که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند، آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده و آنان خردمنداند. جذب قرآن قلبش را تکان داد و در اعماق روحش روشنایی و درخشش عجیبی ایجاد کرد. آن گاه جلو آمد و در مقابل پیامبر زانو زد و از حضرت تلاوت چند آیه دیگر تقاضا کرد. اسعد با شنیدن این آیات، شیفته گشت و سرانجام مسلمان شد و خود، موضوع اختلاف و ستیز قبایل خود را برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله بیان کرد و از پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت کرد که جهت رفع این اختلاف به مدینه بیایند (سبحانی ۱۳۸۵، ۲۲).

#### ▪ تربیت معنوی به شیوهی تکرار

یکی دیگر از شیوه‌های صحیح تربیت معنوی فرزند از منظر قرآن و روایات استفاده از شیوه تکرار در مفاهیم است. این شیوه تعلیمی به کرات در قرآن کریم مشاهده می‌شود که خدای متعال در جاهای مختلف یک مفهوم را چندین مرتبه تکرار می‌کند. مانند مفهوم تقوی که در جاها و سوره‌های مختلفی این مهم تکرار شده است. از باب مثال مسأله تقوی در سوره بقره بارها تکرار شده است، عبارت «لعلکم تتقون» در آیات ۲۱-۶۳-۱۷۹-۱۸۳ این سوره تکرار شده است. قرآن از شیوه تکرار برای یادگیری به وفور بهره برده است و خود بر این امر اذعان دارد. چنان که می‌فرماید: «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا.» (اسراء: ۴۱) ما در این قرآن مکرر ذکر کردیم تا ایشان متذکر گردند. برای اینکه برای رشد مردم قرآن آمده است و برای انسان‌سازی، مسائلی که برای ساختمان انسان است نمی‌شود یک دفعه بگویند و از آن رد بشوند. باید هی بخوانند؛ توی گوشش مکرر کنند، تلقین است. تلقین با یک دفعه درست نمی‌شود. باید اگر بخواهید یک بچه‌ای را شما تربیت بکنید، باید یک مسأله را چندین دفعه با چند زبان، با چند وضع، به او بخوانید. مطلب یکی باشد، لکن طرز بیان اینها به طوری که در قلب او نقش ببندد. معصومان (علیهم‌السلام) مطالب اصولی را به بیان‌های گوناگون و به سبکی شیرین و دلربا تکرار می‌کردند. امام علی (علیه‌السلام) هر شب به نمازگزاران سفارش می‌کرد مرگ را فراموش نکنید و خود را برای سفر آخرت آماده سازید: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) بِالْكُوفَةِ إِذَا صَلَّى الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ يَنَادِي النَّاسَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَسْمَعَ أَهْلَ الْمَسْجِدِ: أَيُّهَا النَّاسُ تَجَهَّزُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَقَدْ نُوذِيَ فِيكُمْ

بِالرَّحِيلِ، فَمَا التَّعَرُّجُ عَلَى الدُّنْيَا بَعْدَ نِدَاءِ فِيهَا بِالرَّحِيلِ. تَجَهَّزُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ وَانْتَقِلُوا بِأَفْضَلِ مَا بَحَضَرَتْكُمْ مِنَ الزَّادِ وَهُوَ التَّقْوَى، وَاعْلَمُوا أَنَّ طَرِيقَكُمْ إِلَى الْمَعَادِ وَ مَمَرَّتُمْ عَلَى الصِّرَاطِ، وَالْهَوَلُ الْأَعْظَمُ أَمَامَكُمْ وَعَلَى طَرِيقِكُمْ عَقَبَةُ كَثُودٍ وَمَنَازِلُ مَهُولَةٍ مَخُوفَةٍ لَا بَدَّ لَكُمْ مِنَ الْمَمَرِّ عَلَيْهَا وَالْوُقُوفُ بِهَا فَإِنَّمَا بِرَحْمَةِ اللَّهِ فَتَجَاهَى مِنْ هَوْلِهَا وَعِظَمِ خَطَرِهَا وَفُطَاعَةِ مَنْظَرِهَا وَشِدَّةِ مُخْتَبَرِهَا وَإِنَّمَا بِهَلَاكَةِ لَيْسَ بَعْدَهَا انْجِبَارٌ» (ابن بابویه و اعلمی ۱۴۰۰، ۵۸۸؛ مجلسی و موسوی همدانی بی تا، ۱۷۳). از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که فرمود: امیرمؤمنان (علیه السلام) در زمان حضورشان در کوفه، همواره پس از نماز عشاء مردم را سه بار صدا می زدند به نحوی که تمام اهل مسجد صدای ایشان را بشنوند و می فرمود: ای مردم! مهیا شوید خدا رحمت تان کند که ندای کوچ [کنید] در میان شما زده شد، پس چه جای ماندن در دنیا او دل بستن به آن [است بعد از آن که ندای کوچ در [جای جای] دنیا زده شد. مهیا شوید خدا رحمت تان کند و بهترین توشه‌ای که در اختیار دارید که همان تقوی است را با خود ببرید. و بدانید که راه شما به سوی معاد است و مسیرتان بر صراط و وحشت بزرگ روبروی شماست. و در میان راه تان گردنه ای سخت و غیرقابل عبور و اقامت گاه های ترس آور و وحشت انگیز است که ناچارید از آن [گردنه] بگذرید و در آن [اقامت گاه ها] توقف نمایید. که این کار یا همراه رحمت الهی است که نتیجه اش نجات از وحشت آن و خطرهای بزرگ آن و دهشت انگیزی مناظر آن و شدت آزمایشگاهش است. و یا همراه هلاکتی است که جبرانی در پی آن نیست.

#### ▪ تربیت معنوی با تذکر

تذکر یعنی یاد آوردن و یادآور شدن آن چه انسان از آن در غفلت است، یا آن را به فراموشی سپرده است. تذکر نعمت‌ها و یاد منعم و خدایی که در همه جا حاضر است و تمام ممالک وجود در تحت نظر او اداره می‌شود و یاد آوردن سرانجام زندگی، روشی نیکو در حراست آدمی از پلیدی و برانگیزنده به تلاش و درستی است. پیام‌آوران الهی در تربیت خود، مردمان را متذکر نعمت‌ها و رحمت‌های خداوند می‌کردند و آنان را متذکر محضر حق و حضور می‌کردند و از این راه به اصلاح مردمان می‌پرداختند؛ به بیان امیر مؤمنان علی (علیه السلام): «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذِنَهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يَذْكُرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ؛ پس هر چند گاه، پیامبرانی فرستاد و به وسیله‌ی آنان به بندگان هشدار داد تا حق میثاق فطرت بگزارند و نعمت فراموش شده را به یاد آرند» (دشتی و شریف الرضی ۱۳۷۹، ۲). هر چه انسان در مراتب کمال بالاتر رود، تذکر او نسبت به هستی و خالق هستی بیش‌تر می‌شود و به مرتبه‌های دست می‌یابد که با هر چیز نسبتی برقرار می‌کند، تذکر نیز وجود دارد؛ امیرمؤمنان علی (علیه السلام) تربیت شدگان مدرسه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و پروا پیشگان را که به مقاصد تربیت دست یافته‌اند، چنین توصیف کرده است: «يُصْبِحُ وَ هَمُّهُ الذِّكْرُ يَبِيتُ حَذِرًا وَ يُصْبِحُ فَرِحًا؛ صبح می‌کند در حالی که هم و فکر او ذکر خداست، شب را به سر میبرد ترسان و روز می‌کند شادمان. صبح می‌کند در حالی که هم و فکر او ذکر خداست، شب را به سر میبرد ترسان و روز می‌کند شادمان» (دشتی و شریف الرضی ۱۳۷۹، ۲۳۸). پیشوای موحدان، علی (علیه السلام) در توصیف احوال اهل ذکر و آنان که به اهداف تربیت زبانی واصل شده‌اند فرموده است: «إِنَّ لِلذِّكْرِ لَأَهْلًا أَخَذُوهُ مِنَ الدُّنْيَا بَدَلًا فَلَمْ تَشْغَلْهُمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْهُ يَقْطَعُونَ بِهِ أَيَّامَ الْحَيَاةِ وَ يَهْتَفُونَ بِالزَّوْجِرِ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ فِي أَسْمَاعِ الْغَافِلِينَ وَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ وَ يَأْتِمُرُونَ بِهِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يَتَنَاهَوْنَ عَنْهُ؛ و همانا یاد خدا را مردمانی است که آن یاد آنان را جایگزین جهان فانی است. نه کسب و کار سرگرمشان ساخته و نه خرید و فروش یاد خدا را از دل آنان انداخته. روزهای زندگی را بدان می‌گذرانند و نهی و منع خدا را (در آنچه حرام فرموده) به گوش بی‌خبران می‌خوانند. به عدل فرمان می‌دهند و خود از روی عدل کار می‌کنند و از کار زشت باز می‌دارند و خود از زشتکاری برکنارند» (دشتی و شریف الرضی ۱۳۷۹، ۲۷۳). نسبت‌های دنیایی با امور این

عالم، فریبنده و غفلت‌زاست و آدمی را از یاد حق و رویکرد به حقیقت باز میدارد و به خود مشغول می‌سازد و هر چه این غفلت غلیظ‌تر شود، دوری آدمی از مقصد تربیت بیش‌تر می‌شود و آن چه صیقل وجود انسان و پاک‌کننده‌ی زنگارهای دل از غفلت نسبت به حق است، توجه به حقیقت هستی و یاد محبوب حقیقی است. امیر بیان، علی (علیه‌السلام) در ضمن خطبه‌ای فرموده است: «وَ اعْلَمُوا أَنَّ الْأَمَلَ يَسْهَى الْعَقْلَ وَ يَنْسِي الذِّكْرَ فَأَكْذِبُوا الْأَمَلَ فَإِنَّهُ غُرُورٌ وَ صَاحِبُهُ مَغْرُورٌ؛ بدانید که آرزوهای نفسانی خرد را به غفلت وا دارد و یاد خدا را به فراموشی سپارد. پس آرزوهای نفسانی را دروغ بدانید که (آن چه خواهد) فریب است و امید بیهوده و صاحب آن در خواب غفلت است» (دشتی و شریف‌الرضی ۱۳۷۹، ۷۳). این غفلت عظیم جز با تذکر دائمی رفع نمی‌گردد و این ظلمت غلیظ جز با تلاشی پیگیر زدوده نمی‌شود؛ گناه از غفلت است و ظلم از ظلمت؛ و آن چه غفلت و ظلمت را می‌زداید، تذکر دائمی است. اگر آدمی در غفلت نباشد، تن به نافرمانی خدا نمی‌دهد؛ و اگر در ظلمت نباشد، دست به ستمگری نمی‌گشاید. از این روست که نقش تذکر در تربیت نقشی کلیدی است و آن چه انسان را از غفلت و ظلمت نجات می‌بخشد، تذکر است. امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) درباره‌ی نقش تذکر در تربیت آدمی فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى جَعَلَ الذِّكْرَ جِلَاءً لِلْقُلُوبِ تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقْرَةِ وَ تَبْصِرُ بِهِ بَعْدَ الْعُشْوَةِ وَ تَنْقَادُ بِهِ بَعْدَ الْمُعَانَدَةِ؛ همانا خدای سبحان یاد (خود) را روشنی بخش دل‌ها قرار داده است؛ دل‌ها بدین وسیله از پس کری، شنوا و از پس نابینایی، بینا و از پس سرکشی، رام می‌گردند» (دشتی و شریف‌الرضی ۱۳۷۹، ۲۷۳). همه‌ی آثار پاک‌کننده از بدی و دورکننده از پلیدی و نیز نتایج معنوی و اخلاقی و اجتماعی که در عبادات وجود دارد، به سبب تذکری است که از عبادات حاصل می‌شود و انسان را از غفلت و ظلمت نجات می‌دهد. از این رو روش تذکر کوتاه‌ترین راه وصول به مقاصد مطلوب است. امام علی (علیه‌السلام) بر چنین تذکری تأکید نموده و لطف و رحمت محبوب حقیقی را یاد آور شده است، تا آدمی به خود آید و با تذکر حق خود را ادب سازد: «وَ كُنْ لِلَّهِ مُطِيعاً وَ بَذِكْرِهِ آتِئاً وَ تَمَثَّلْ فِي حَالٍ تَوَلَّىكَ عَنْهُ إِقْبَالُهُ عَلَيْكَ يَدْعُوكَ إِلَى عَفْوِهِ وَ يَتَعَمَّدُكَ بِفَضْلِهِ وَ أَنْتَ مُتَوَلِّئٌ عَنْهُ إِلَى غَيْرِهِ فَتَعَالَى مِنْ قَوِيٍّ مَا أَكْرَمَهُ وَ تَوَاضَعْتَ مِنْ ضَعِيفٍ مَا أَجْرَأَكَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ وَ أَنْتَ فِي كَنْفِ سِتْرِهِ مَقِيمٌ وَ فِي سَعَةِ فَضْلِهِ مُتَقَلِّبٌ فَلَمْ يَمْنَعْكَ فَضْلُهُ وَ لَمْ يَهْتِكْ عَنكَ سِتْرَهُ بَلْ لَمْ تَخُلْ مِنْ لُطْفِهِ مَطْرَفٌ عَيْنٍ فِي نِعْمَةٍ يُحَدِّثُهَا لَكَ أَوْ سَيِّئَةٍ يَسْتُرُهَا عَلَيْكَ أَوْ بَلِيَّةٍ يَصْرِفُهَا عَنْكَ فَمَا ظَنُّكَ بِهِ لَوْ أَطَعْتَهُ؛ طاعت خدا را بپذیر و به یاد او انس گیر. و به خاطر آر آن گاه که تو روی از او گردانده‌ای، او روی به تو گرداند و تو را به خواستن بخشایش از خود می‌خواند و جامه‌ی فضل خویش بر تو می‌پوشاند و تو از او رویگردانی و دیگری را خواهان. پس چه نیرومند است و بزرگوار و چه ناتوانی تو و بی‌مقدار و چه گستاخ در نافرمانی پروردگار. در سایه‌ی پوشش او می‌آرامی و در پهنه‌ی بخشایش او می‌خرامی؛ نه بخشش خویش را از تو بریده و نه پرده‌ی خود را بر تو دریده، بلکه چشم به هم زدن بی‌احسان او به سر نبرده‌ای، در نعمتی که بر تو تازه گردانیده، یا گناهی که بر تو پوشیده، یا از بلاییت رهانیده. پس چه گمان بدو بری، اگر وی را فرمان بری؟» (دشتی و شریف‌الرضی ۱۳۷۹، ۲۷۵). نیکوترین تذکر برای آدمی، یاد حق است؛ یاد خدای رحمان و نعمت‌های بی‌کران او. یاد حق نیکوترین پدیده‌ی تربیتی در ساماندهی وجود آدمی به سوی هدف غایی است. امیر مؤمنان (علیه‌السلام) مردمان را بدین روشن نیکو فرا خوانده و فرموده است: «أَفِيضُوا فِي ذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الذِّكْرِ؛ در بستر یاد خدا روان شوید که نیکوترین یاد، یاد خداست» (دشتی و شریف‌الرضی ۱۳۷۹، ۱۱۴). همچنین در روش تذکر، یاد مرگ جایگاهی اساسی در تربیت دارد، زیرا غفلت آدمی از مرگ و معاد، خود بزرگ‌ترین عامل عصیان و فساد است. امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) در ضمن خطبه‌ای به مردمان چنین سفارش فرموده است: «أَوْصِيَكُمْ بِذِكْرِ الْمَوْتِ وَ إِقْلَالِ الْعَفْلَةِ عَنْهُ وَ كَيْفَ غَفَلْتُمْ عَمَّا لَيْسَ يُغْفَلُكُمْ وَ طَمَعُكُمْ فِيمَنْ لَيْسَ يُمْهِلُكُمْ فَكَفَى وَأَعْظَى بِمَوْتِي عَائِنْتَهُمْ حَمَلُوا إِلَى قُبُورِهِمْ غَيْرَ رَاكِبِينَ وَ أَنْزَلُوا فِيهَا غَيْرَ نَازِلِينَ كَأَنَّهُمْ

لَمْ يَكُونُوا لِلدُّنْيَا عَمَّارًا وَ كَأَنَّ الْأَخْرَهَى لَمْ تَزَلْ لَهُمْ دَارًا أَوْ حَشْوًا مَا كَانُوا يُوْطِنُونَ وَ أَوْطِنُوا مَا كَانُوا يُوحِشُونَ وَ اَشْتَعَلُوا بِمَا فَارَقُوا وَ اَضَاعُوا مَا إِلَيْهِ انْتَقَلُوا لَا عَنْ قَبِيحٍ يَسْتَطِيعُونَ انْتِقَالَ وَ لَا فِي حَسَنٍ يَسْتَطِيعُونَ اَزْدِيَادًا اُنْسُوا بِالدُّنْيَا فَعَرَّتْهُمْ وَ وَثِقُوا بِهَا فَصَرَعَتْهُمْ فَسَابِقُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ إِلَيَّ مَنَازِلِكُمْ اَلَّتِي اَمَرْتُمْ اَنْ تَعْمُرُوهَا؛ شما را به یاد کردن مرگ و کاستن بی خبری تان از آن سفارش می‌کنم. چگونه از چیزی غافلید که شما را رها نمی‌کند و از شما غافل نیست؟ چگونه از کسی که مهلت نمی‌دهد (ملک الموت) مهلت می‌طلبید؟ برای پند دادن به شما مردگان بسنده‌اند که آنان را دیدید. بر دوش‌ها به گورهایشان بردند، نه خود سوار بودند؛ در گورهایشان فرود آوردند، نه خود فرود آمدند. گویی آنان آباد کننده دنیا نبودند و گویی همیشه آخرت خانه‌هایشان بود و پیوسته در آن غنودند. آن چه را وطن خود گرفته بودند، از آن رمیدند؛ و در آن جا که از آن می‌رمیدند، آرمیدند. بدان چه از آن جدا شدند، سرگرم گردیدند؛ و جایی را که بدان رفتند، تباہ گردانیدند. نه از زشتی، باز گردیدن توانند؛ و نه بر کار نیک، افزودن. به دنیا خو گرفتند و آنان را فریفته ساخت؛ و بدان اعتماد کردند و بر خاکشان انداخت. پس بر یکدیگر پیشی گیرید به خانه‌هایی که شما را به آباد کردن آن فرموده‌اند» (دشتی و شریف الرضی ۱۳۷۹، ۲۱۷). آن چه موجب کنار رفتن غفلت و ظلمت است، جز تذکر نیست و والاترین یاد، یاد حق و یاد مرگ است. امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) در نامه‌ی خود به حارث همدانی او را بدین روش به تربیت خوانده و فرموده است: «وَ عَظِمَ اسْمُ اللَّهِ اَنْ تُذَكَّرَهُ اِلَّا عَلَيَّ حَقٌّ وَ اَكْثَرُ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ؛ نام خدا را بزرگ شمار و آن را جز برای حق بر زبان میار. مرگ و پس از مرگ را فراوان یاد کن» (دشتی و شریف الرضی ۱۳۷۹، ۳۷۷). اگر انسان مرگ را فرا راه خویش ببیند و پیامدهای آن را در نظر آورد، بی‌گمان از دل سپردن به دنیا آزاد می‌شود و از تن دادن به فریبکاری‌های آن سرباز می‌زند. امیرمؤمنان (علیه‌السلام) با یاد آوردن مرگ و تبعات آن، مردمان را به اصلاح خود می‌خواند و می‌فرماید: «اَذْكُرُوا اَنْفِطَاعَ اللِّدَاتِ وَ بَقَاءَ التَّبِعَاتِ؛ به یاد آرید که لذت‌ها تمام شدنی و پایان ناگوار آن بر جای ماندنی است» (دشتی و شریف الرضی ۱۳۷۹، ۴۵۲). به یاد آرید که لذت‌ها تمام شدنی و پایان ناگوار آن بر جای ماندنی است. آن حضرت درباره‌ی خود و نقش یاد مرگ در راه و رسم زندگی خود می‌فرماید: «وَ اللَّهُ اِنِّي لَمِئِنَّ مِنَ اللَّعِبِ ذِكْرُ الْمَوْتِ؛ به خدا سوگند، یاد مرگ مرا از بیهودگی باز می‌دارد.» (دشتی و شریف الرضی ۱۳۷۹، ۷۱).

#### ▪ تربیت معنوی به شیوه‌ی تمثیل

استفاده از تشبیه و تمثیل، از دیر زمان یکی از ساده‌ترین و موثرترین راه‌های تربیتی بوده است. لذا نویسندگان و گویندگان، برای آسان ساختن درک مطالب پیچیده و یا زیبایی کلام از تشبیه و تمثیل بهره برده و از این طریق، مقصود خویش را به مخاطب منتقل نموده، او را به اندیشه وا می‌دارند. بی‌گمان، قرآن برای گروه خاصی نازل نشده، بلکه کتابی جهانی است. بنابراین باید مراد خود را به نحوی عرضه دارد که همه انسان‌ها تا روز قیامت آن را درک کنند. یکی از بهترین روش‌هایی که می‌تواند معارف عقلی و مفاهیم معنوی را برای توده مردم تبیین کند، زبان «تمثیل» است. اگر والدین و مربیان اراده دل‌ربایی از نونهالان خود و تأثیرگذاری در ذهن و قلب آن‌ها را دارند، حتماً باید گفتارشان در نهایت زیبایی و آراستگی باشد و بهره‌مندی از تمثیل و تشبیه یکی از اثربخش‌ترین راهکارها برای دستیابی به این هدف است. جذاب، قابل فهم، محسوس، عینی، دلنشین و نشاط‌آوری از جمله کارکردهای فراوان این روش در افزایش انگیزه کودک و اثربخشی فعالیت‌های آموزشی و تربیتی است. از سوی دیگر، ضرورت و اهمیت آشنایی نونهالان با معارف دینی و آموزه‌های معنوی، ایجاب می‌کند که به روش‌های جذاب، اثربخش و راه‌گشا از جمله مهارت‌های استفاده از تمثیل و تشبیه توجه جدی نماییم. در قرآن کریم به وفور از تمثیل و تشبیه معقول به محسوس استفاده شده است: در جایی می‌خوانیم: «وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الْاَذَى يَنْعَقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ اِلَّا دُعَاءَ وَنِدَاءَ صُمُّ بَكْمٌ عُمَى فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ.» (بقره: ۱۷۱) ای پیامبر!

حکایت تو در فراخواندن این کافران به توحید، همچون حکایت چوپانی است که بر گوسفندان خود با کلماتی نهیب می‌زند، ولی آن‌ها از کلمات او جز خواندن و آوایی نمی‌شنوند. اینان نیز کر و لال و کورند؛ نه سخن سودمند را می‌شنوند و نه خود درست سخن می‌گویند و نه نشانه‌های حق را می‌نگرند؛ از این رو هیچ حقیقتی را در نمی‌یابند. در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِنْهُ حَبَّةٌ وَأَلَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.» (بقره: ۲۶۱) حکایت کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند همچون حکایت دانه ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه ای صد دانه باشد. خداوند برای هر که بخواهد آن را دوچندان می‌کند و خداوند را بخششی گسترده است و می‌داند چه کسی درخور بخشش است.

#### ▪ تربیت معنوی از طریق قصه

قصه و داستان‌گویی مهم‌ترین وسیله و ابزار کتب آسمانی برای تبشیر و انذار بوده است. بدون تردید، طبع انسان به شنیدن و خواندن سرگذشت‌ها و قصه‌ها، رغبت و میل فراوان دارد و قرآن کریم، اولین کتابی است که نقل داستان‌های و سرگذشت‌های واقعی پیشینیان را در راه تربیت و ارشاد مردم به‌کار گرفته و از این میل و رغبت طبیعی، در راه هدایت آن‌ها بهره‌برداری کرده است. قرآن کریم همواره به‌عنوان چراغ روشنایی‌بخش راه سعادت بشری، نویدبخش بوده است و از راه‌های مختلف همچون: انذار، بشارت، وعده، وعید، تمثیل، توصیف، اخبار، حکایت و بیان قصه، در پی این بوده است که قاطبه انسان‌ها را به سوی راه سعادت ابدی هدایت کند. تاریخ و نقل سرگذشت پیشینیان و ذکر عاقبت آن‌ها و ذکر علت گرفتاری‌ها و شقاوت، یا راحتی و سعادت آنها، تأثیر به‌سزایی در چگونگی طی این راه دارند. در دل قصه‌های قرآنی برشی از زندگی واقعی انسان در لحظه‌های خاص تاریخ نقش بسته است. قصه‌ها، بهترین راه برای گفت و گو با فرزندان در مورد رفتارهای شان است قصه‌ها حکم شربت شیرینی را دارند که با آن می‌توان تلخی دارو را به راحتی تحمل‌پذیر کرد. رفتارهای فرزند ترسو و خجالتی، کودک پرخاشگر و قلدر و... را می‌توانید با قصه‌ها درمان کنید البته با این شرط که رفتارها را زود تشخیص بدهید و دست به کار شوید. قصه‌های قرآن از دیدگاه ادبی «واقع‌گرا» یا «رنال» به‌شمار می‌آیند؛ زیرا خصیصه‌ی اصلی این قصص آن است که «حق» بوده‌اند و «واقع» شده‌اند.

«نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ...» (اعراف: ۳۵)؛

«ما خبرشان را به‌راستی حکایت می‌کنیم...» (کهف: ۱۳).

«إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ...» (آل‌عمران: ۶۲).

«همانا این داستانی است راست و درست»

#### ▪ تربیت معنوی به شیوه‌ی خطابه

«خطابه»، یکی از شیوه‌های تبلیغ و رساندن پیام و تربیت دیگران و کار فرهنگی و آموزشی است. کسی که نتواند آموخته‌ها و اندوخته‌ها و اندیشه‌های خود را به صورت مطلوب، به دیگران منتقل کند، آن دانسته و اندوخته، بی‌ثمر می‌ماند. کلام، بر دیگران تأثیر می‌گذارد. اگر سخن سخنور، از ویژگی‌های فنی و مهارت‌های لازم که در «فن خطابه» مطرح است، برخوردار باشد، تأثیر سخن را چند برابر می‌کند، هر کس بتواند سخن خویش را به طور مؤثر و نافذ، در دل و جان مخاطبان بیشتری بنشاند، موفق‌تر است. بدین رو خطابه در تربیت فرزند بسیار مورد اهمیت است و تأثیرات بسیاری در معنویت او دارد. بدین رو مفاهیم معنوی باید به بهترین خطابه به فرزندان منتقل شوند. در سخنرانی، از آن جا که «مفاهیمی» برای «مردم» در یک جلسه عمومی «بیان» می‌شود، باید همه‌ی علوم و فنونی که به نحوی قدرت و مهارت سخنران را در این سه زمینه (مفاهیم، مردم، بیان) افزایش می‌دهد، مورد توجه قرار گیرد. از این رو آشنایی با نکات زیر،

لازم است (محدثی ۱۳۷۹): روانشناسی: آگاهی از روحيات مردم و کشش‌ها و گرایش‌ها و زمینه‌های «اثرپذیری» و شیوه‌های «اثر گذاری»، از عوامل موفقیت یک خطیب است. روانشناسی آگاهی‌های مفیدی در این زمینه می‌دهد. معلومات عمومی و اسلامی: هرچه دانش عمومی، ذخایر فکری و معلومات سخنران در زمینه‌های مختلف، به ویژه در زمینه‌ی موضوعات مورد خطابه بیشتر باشد، سخنانش از غنا و محتوای بیشتری برخوردار خواهد بود و قدرت «جذب مخاطب» بیشتر خواهد شد و هرچه با معارف گسترده‌ی دین آشنا تر باشد، میدان سخن برای او بازتر است. سخنران باید به بهترین وجه، توان بهره‌گیری از آیات و احادیث را داشته باشد. ادبیات: از آن جا که در سخنرانی، استفاده از کلمه، کلام و جمله بندی لازم است، سخنران هر چه بر ادبیات تسلط بیشتری داشته باشد، سخنان او صحیح‌تر و استفاده از تعبیرات، بی‌غلط‌تر خواهد بود. آگاهی از اشعار، ضرب‌المثل‌ها، تمثیلات و ... نیز در همین مقوله است. تاریخ: چاشنی سخن، حکایات است. سخنران باید هر چه بیشتر از تاریخ (تاریخ اسلام، ایران، جهان، زندگی نامه‌ی صحابه‌ی پیامبر و ائمه و علما و دانشمندان و عارفان و مشاهیر جهان و بزرگان علم و صنعت و ...) آگاه باشد تا بتواند با استفاده‌ی بجا از آنها، تأثیر سخن خویش را افزون کند. معانی و بیان: در این علم، فصاحت و بلاغت که عهده دار شیوه‌های درستی سخن و رسایی کلام است، مطرح می‌گردد. آگاهی از علوم بلاغی و شیوه‌های سخن آرای و زیبایی‌های گفتاری، خطابه‌ی سخنران را زیبایی و تأثیر بیشتری می‌بخشد. شناخت زمان: نیازهای موجود در هر عصر و شرایطی، نوعی سخن می‌طلبد. خطیب موفق کسی است که با درک بهتر نیازهای جامعه و مردم، سخنانی مفید و جهت دهنده و مرتبط با زمینه‌های موجود، ایراد کند و پا به پای زمان حرکت داشته باشد. منبع شناسی: از مهم‌ترین نیازهای سخنران آن است که با کتب گوناگون در زمینه‌های مختلف آشنا باشد و بداند برای تهیه‌ی مواد سخنرانی به چه منابعی مراجعه کند. البته مطالعه‌ی مستمر ناطق، به طور طبیعی او را کتاب شناس بار می‌آورد، ولی دانستن منابع خاص هر موضوع، برای ناطق بسیار مهم است.

### ➤ شیوه‌ی غیرمستقیم

#### ✓ پیشگیری

پیشگیری، عبارت است از مداخله مثبت و اندیشمندانه برای مقابله با شرایط نامناسب قبل از آنکه منجر به اختلال یا ناتوانی شود. تمام فعالیت‌ها و اقداماتی است برای پیشگیری از بروز مشکلات معنوی صورت می‌گیرد. هدف این نوع از پیشگیری شناسایی و حذف عوامل کلی یا کاهش عوامل خطر ساز معنوی می‌باشد. آیات زیادی در باره موضوع تقوی وجود دارد که می‌تواند مستندی برای بحث پیشگیری از مولفه‌های غیرمستقیم شیوه‌های تربیت معنوی باشد. تقوی دایره معنایی زیادی دارد که در زبان فارسی به پروا می‌توان معنا نمود. پروا کردن از کارهایی که سبب پیدایش مشکلات تربیتی می‌شود ماهیتی پیشگیرانه دارد؛ خدای متعال در آیات زیادی اشاره دارد که پروا کنید از کارهای ناپسند تا منجرو به بی‌ایمانی نشود. «قالت انی اعود بالرحمن منک ان کنت تقیاً» (مریم/ ۱۸)؛ گفت من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم، اگر تقوا داری (از من دور شو).

#### روش‌های اجرایی در پیشگیری:

- ✚ بررسی و ارزیابی مستمر در جهت شناخت وضعیت معنوی و اولویت بندی آنها
- ✚ تدوین و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه برای حذف و تعدیل عوامل موثر در بروز اختلالات تربیتی- معنوی با همکاری افراد ذی‌ربط (کارشناسان تربیتی مذهبی خبره)
- ✚ آموزش همگانی نکات تربیتی- معنوی به خانواده‌ها (والدین)

### مشاوره‌های خانوادگی، فردی و گروهی در مسائل تربیت معنوی

اقدامات دلسوزانه خضر (علیه‌السلام) برای حفاظت از اموال مستمندان و یتیمان نمونه‌ی گویای این مورد است. خضر (علیه‌السلام) در هنگام جدایی حضرت موسی (علیه‌السلام) به دلیل اعتراضات مکرر او، این گونه از اسرار کارهای خود پرده برمی‌دارد: «أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينٍ يَعْلَمُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَ هِمِّ مَالِكٍ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا» (کهف: ۷۹) اما کشتی به گروهی مستمند تعلق داشت که با آن در دریا کار می‌کردند. من خواستم آن را معیوب کنم؛ زیرا می‌دانستم در پشت سر آن‌ها پادشاهی ستمگر است که هر کشتی سالمی را از روی غصب می‌گیرد. خلاصه، معنای آیه این است که این کشتی متعلق به عده‌ای افراد مستمند بود که به وسیله‌ی آن امرار معاش می‌کردند و بر سر راه آن‌ها حاکم ستمگری بود که کشتی‌های سالم را غصب می‌کرد. من کشتی را معیوب کردم تا شاه غاصب و طماع، از آن چشم‌پوشد. در واقع، این کار به ظاهر زنده که اعتراض حضرت موسی (علیه‌السلام) را برانگیخت، در مسیر حفظ مال گروهی مستمند بود و باید انجام می‌شد. همچنین درباره‌ی علت تعمیر دیوار می‌گوید: «وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبَغُيَا أَمْثَلَهُمَا وَيُسَخِّرَ جَنَّتَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ» (کهف: ۸۲)؛ و اما آن دیوار، از آن دو نوجوان یتیم در آن شهر بود و زیر آن گنجی متعلق به آن‌ها وجود داشت و پدرشان مرد صالحی بود. پروردگار تو می‌خواست آن‌ها به حد بلوغ برسند و گنجشان را استخراج کنند. این رحمتی از پروردگارت بود. تنها راه حفظ گنج، تعمیر دیوار بود، وگرنه با سقوط آن، گنج هویدا می‌شد. جالب اینجاست که حضرت خضر در پایان می‌فرماید: «من تمام این اقدامات پیش‌گیرانه را خودسرانه انجام ندادم، بلکه طبق فرمان و دستور پروردگارم بود: «وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي»

### ✓ الگوسازی

انسان ذاتاً الگوظلب و الگوپذیر است. به همین جهت یکی از بهترین و کوتاه‌ترین روش‌های تربیت برای نمونه و تربیت عملی هرچه کمال و جاذبه‌ی نمونه‌ی ارائه شده بیش‌تر باشد. این روش کارآیی بیش‌تری خواهد داشت. تربیت ابتدایی کودک به طور طبیعی با روش الگویی شکل می‌گیرد؛ چرا که کودک در چند سال نخست زندگی خود، همه‌ی کارهایش را از الگوهای پیرامون خود که در درجه‌ی اول «پدر و مادر» او هستند، الگوبرداری می‌کند و با تقلید از آنان رشد کرده و ساختار تربیتی‌اش سامان می‌یابد. به‌طور کلی روش الگویی به‌عنوان تربیت عملی بر جان انسان‌ها می‌نشیند و در نفوس آن‌ها رسوخ می‌کند. به همین جهت قرآن کریم در آیه ۴۴ بقره می‌فرماید: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ أَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ» آیا مردم را به نیکی دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید». و در آیات ۲ و ۳ سوره صف آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (\* كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید، نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید».

### ❖ پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) الگویی کامل برای تربیت علمی بشر

قرآن کریم، پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را به عنوان الگویی کامل برای تربیت عملی بشر، معرفی می‌نماید و در آیه‌ی چهارم سوره ممتحنه می‌فرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ؛ قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست آن‌گاه که به قوم خود گفتند ما از شما و از آن‌چه به جای خدا می‌پرستید بی‌زاریم به شما کفر می‌ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه‌ی همیشگی پدیدار شده تا وقتی که فقط

به خدا ایمان آورید جز [در] سخن ابراهیم [که] به [نا]پدر[ای] خود [گفت] حتماً برای تو آمرزش خواهم خواست با آن که در برابر خدا اختیار چیزی را برای تو ندارم ای پروردگار ما بر تو اعتماد کردیم و به سوی تو بازگشتیم و فرجام به سوی توست». همچنین در آیات ۱۰ تا ۱۲ سوره تحریم نیز در این رابطه آمده است: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا ... بِكَلِمَاتٍ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنِ الْقَانِنِينَ؛ خدا برای کسانی که کفر ورزیده‌اند آن نوح و آن لوط را مثل آورده [که] هر دو در نکاح دو بنده از بندگان شایسته ما بودند و به آن‌ها خیانت کردند و کاری از دست [شوهران] آن‌ها در برابر خدا ساخته نبود و گفته شد با داخل شوندگان داخل آتش شوید (۱۰) و برای کسانی که ایمان آورده‌اند خدا همسر فرعون را مثل آورده آن گاه که گفت پروردگارا پیش خود در بهشت خانهای برایم بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات ده و مرا از دست مردم ستمگر برهان (۱۱) و مریم دخت عمران را همان کسی که خود را پاکدامن نگاه داشت و در او از روح خود دمیدیم و سخنان پروردگار خود و کتاب‌های او را تصدیق کرد و از فرمانبرداران بود».

### ❖ الگوگیری از دوستان

بعد از پدر و مادر، یکی از الگوهای کودکان و جوانان «دوستان» آن‌ها هستند که در برخی از موارد الگوپذیری آنان از دیگران بیش‌تر است و روی تربیت عقایدی و اخلاقی و رفتاری آن‌ها تأثیر دارند. قرآن کریم در این زمینه هشدار داده و در آیات ۲۷ تا ۲۹ فرقان در این رابطه می‌فرماید: «وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا (\*) يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فَلَانًا خَلِيلًا (\*)» لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا (۲۹)».

### ❖ الگوگیری از معلم

یکی دیگر از موارد الگوگیری کودکان و جوانان، محیط تعلیم و تربیت آن‌ها یعنی همان «معلم» و مربی کودکان می‌باشند و معمولاً تمامی حرکات و سکنات خود را از مربیان، نمونه‌برداری می‌کنند، به همین جهت، هنگامی که از امام باقر (علیه‌السلام) درباره‌ی آیه‌ی ۲۴ سوره عبس که می‌فرماید: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ؛ انسان باید به غذای خویش بنگرد.» سؤال شد، حضرت فرمود: یعنی علمی که فرا می‌گیرد، بنگرد از چه کسی فرا می‌گیرد.

### ❖ عبرت‌آموزی

یکی دیگر از شیوه‌های غیر مستقیم تربیت فرزند عبرت‌آموزی است. قرآن کریم، تاریخ را آئینه‌ای می‌داند که در آن می‌توان تمامی حوادث زشت و زیبا را دید و از این حوادث الهام گرفت و سرنوشت آینده زندگی را با الهام از این آئینه گویا انتخاب کرد. ستمگران، طاغوتیان و سرنوشت آن‌ها را دید و از انتخاب راه آن که سرنوشتی جز بوار و هلاک چیزی در پی ندارد خودداری ورزید. و صالحان و برگزیدگان حضرت حق را دید و سرنوشت موفق آن‌ها را و با گزینش راه آن‌ها سعادت خویش را تأمین نمود. در بیش از ده آیه قرآن ترغیب و تشویق فراوان به «سیر در ارض» است (یوسف: ۱۰۹؛ حج: ۴۶؛ روم: ۹؛ فاطر: ۴۴؛ غافر: ۲۱؛ آل عمران: ۱۳۷؛ انعام: ۱۱؛ نحل: ۳۶؛ نمل: ۶۹؛ عنکبوت: ۲۰؛ روم: ۴۲)، «سیر در ارض» در فرهنگ قرآن، به معنای جهان گردی بی هدف و احیاناً، با هدف اشباع غرائز حیوانی نیست، بلکه به معنای بررسی حوادث تاریخی و دیدن جغرافیای حوادث، جهت عبرت‌آموزی است. اَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ» (روم: ۹). آیا اینان سیر در زمین نمی‌کنند تا بنگرند سرنوشت آنان (طغیانگران پیشین) چگونه شد...؟ «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ أَنْظِرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (انعام: ۱۱) بگو سیر در زمین داشته باشید تا بنگرید عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه شد. در این آیه و امثال آن، «نظر» هدف سیر در ارض معرفی شده است و «نظر» یعنی «عبرت‌آموزی». عبرت‌آموزی هدف طرح حوادث تاریخی فراوان در قرآن است. در بسیاری از آیات، داستان‌های انبیاء بزرگ الهی آمده است. در این داستان‌ها، هرگز هدف قرآن داستان سرائی محض نیست، بلکه هدف ارائه رهنمود از



رهگذر این داستان‌های سازنده است. بر همین اساس است که در هیچ یک از قصص انبیاء، از مسائل بی فایده یا کم فایده‌ای که نقشی در هدایت ندارد سخن به میان نیامده است؛ از تاریخ ولادت، تاریخ وفات، عدد اولاد، همسر یا همسران و... سخنی نیست. و از طرفی دیگر، گاه یک حادثه آموزنده از زندگی پیامبری را، مانند بت شکنی ابراهیم، خشم مقدس او، استقامت نوح و... چندین بار تکرار می کند تا در سایه تکرار این حادثه سازنده، بذر فضائل در جان‌ها پا گرفته و شجره طوبای کمالات جان بگیرد. در رابطه با دیگر حوادث تاریخی نیز، روال قرآن همین است؛ تا آنجا که قرآن کریم پی گیری مسائل بی فایده در حوادث تاریخی را به تمسخر می گیرد. به عنوان نمونه، قرآن کریم پی گیری این مسأله در داستان اصحاب کهف که اینان چند نفر بودند را نکوهش می کند.

#### ❖ محبت

بی‌گمان این روش در اصلاح و تربیت همه‌ی انسان‌ها به خصوص کودکان، نقشی عظیم و کارساز دارد که خداوند متعال، پیامبر گرامیش را به روش محبت آراسته کرده و در آیه‌ی ۱۵۹ آل عمران در این رابطه می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ؛ پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرم خو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند پس از آنان درگذر و برایشان آموزش بخواه و در کار[ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می‌دارد». و تعبیر قرآن کریم نیز از کودکان به «بخشش» و هدیه، تعبیری است محبت‌آمیز که در آیه‌ی ۴۹ سوره شوری می‌فرماید: «اللَّهُ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِمَّا نًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ؛ فرمانروایی [مطلق] آسمان‌ها و زمین از آن خداست هر چه بخواهد می‌آفریند به هر کس بخواهد فرزند دختر و به هر کس بخواهد فرزند پسر می‌دهد». انسان، به فطرت خود نیازمند محبت است و در مراحل اولیه زندگی و دوران کودکی خویش به محبتی بیش‌تر نیاز دارد و تأثیر روش محبت در سازمان دادن به شخصیت کودک بر کسی پوشیده نیست. البته محبتی معتدل و راستین و به دور از تکلف و تصنع و متناسب با سن و سال و وضع و حال کودک و به دور از تبعیض که در این زمینه روایاتی از اهل بیت: نیز داریم. نمونه‌هایی از این روش را در قرآن کریم، می‌توان در داستان حضرت یوسف (علیه‌السلام) جست و جو کرد. یکی در هنگامی که پدرش، حضرت یعقوب (علیه‌السلام) بنابر تقاضای برادران یوسف، او را به بازی و گردش می‌فرستد و خوف از جان یوسف (علیه‌السلام) را دارد. چنان‌که در آیات ۱۲ و ۱۳ سوره‌ی یوسف فرموده است: «أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ(۱۲) قَالَ إِنِّي لِيَحْزَنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ(۱۳)؛ فردا او را با ما بفرست تا [در چمن] بگردد و بازی کند و ما به خوبی نگهبان او خواهیم بود (۱۲) گفت این که او را ببرید سخت مرا اندوهگین می‌کند و می‌ترسم از او غافل شوید و گرگ او را بخورد».

#### ❖ تشویق و تنبیه

با وجودی که یکی از بهترین راه‌ها برای تشویق کودک به رفتارهای خوب، استفاده از سیستم جایزه دادن است اما باید توجه داشت این روش در کودکان دو سال به بالا بیش‌تر نتیجه می‌دهد. البته والدین باید راجع به رفتار خوب و خوشایند و برعکس رفتار ناخوشایند برای کودک توضیح دهند و در مورد جایزه‌اش نیز به او بگویند. البته باید توجه داشت هیچ قانون کلی برای کودک خوب بودن وجود ندارد؛ اما برای آن که یک کودک سالم و شاد را تربیت کنید لازم است عشق و علاقه‌ی خود را به او نشان دهید. به حرف‌های کودک‌تان گوش دهید. به او احساس امنیت بدهید. او را تشویق کنید. رفتارهای نامناسب او را مورد انتقاد قرار دهید، نه خود او را. صبور و شکیبا باشید. برای کودک‌تان وقت کافی بگذارید.

برای تغییر رفتار کودک چه می‌توان کرد؟ کودکان وقتی به تکرار یک رفتار و ادامه‌ی آن تمایل نشان می‌دهند که به خاطر آن پاداش گرفته و مورد توجه قرار بگیرند. همچنین زمانی یک رفتار را ترک می‌کنند که آن رفتار رد می‌شود. تداوم و ثبات واکنش‌های شما برابر یک رفتار بسیار مهم است، زیرا باعث می‌شود کودک بداند چه زمان مورد نکوهش قرار می‌گیرد و چه زمان تشویق می‌شود و به این ترتیب گیج نمی‌شود. بهترین روش تربیت کودک، از نظر قرآن کریم چیست؟ بی‌گمان بهترین روش تربیت که مبتنی بر شناخت حقیقت انسان و همه‌ی نیازهای روحی و روانی اوست، راه وحی است و قرآن کریم آئین خود را بهترین آیین تربیت برای کل بشر معرفی کرده است. در آیه ۹ سوره اسرا در این رابطه آمده است: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا؛ قطعاً این قرآن به [آیینی] که خود پایدارتر است راه می‌نماید و به آن مؤمنانی که کارهای شایسته می‌کنند مژده می‌دهد که پاداشی بزرگ برایشان خواهد بود». هر چند که به روش تربیت کودک در قرآن تصریح نشده و لکن این مطلب، از لابه‌لای برخی از آیات و داستان‌های قرآن کریم به زیبایی نمایان است.

### ❖ رسانه‌های گروهی

در عصر حاضر تأثیر و حضور چشمگیر رسانه دگرگونی‌هایی در این امر به وجود آورده است و شبیخون گسترده نظام صنعتی نوین به فرهنگ بشری و کارآترین ابزار آن یعنی رسانه‌های تصویری، به ویژه تلویزیون، نزدیک به دو دهه است که این خط فاصل و این مرز حائل را از میان برداشته است. امروزه در حالی کودک از هجده ماهگی به تماشای تلویزیون می‌پردازد خصوصاً در غرب و از سه سالگی بیننده معتاد این رسانه تصویری است، که در برنامه‌های این جعبه جادو، تفاوتی میان کودک و بزرگسال وجود ندارد. سیره‌ی پیامبران و معصومان (علیه‌السلام) آن نبود که خود را پایبند به استفاده از برخی وسایل نموده و از به‌کارگیری وسایل نوین خودداری نمایند. به عنوان نمونه به مواردی اشاره می‌شود:

- استفاده از منجنیق (ابزاری با آن چیزی را پرتاب می‌کردند).
- در جنگ طائف رسول خدا (ص) با یاران خود مشورت کرد. سلمان فارسی گفت: در سرزمین فارس برای شکستن قلعه‌ها از منجنیق استفاده می‌شود. پیامبر (ص) به او دستور داد و او نیز به دست خود منجنیقی ساخت و نصب کرد (حمید الله و دیگران ۱۳۹۴، ۳۶۷).
- دبابه: (وسیله جنگی که سربازان زیر آن قرار می‌گرفتند و به قلعه حمله می‌کردند)، در همان جنگ طائف، خالد بن سعید ابن عاص وسیله‌ای به نام دبابه را برای پیامبر (ص) آوردند (مقریزی و نمیزی ۱۴۲۰، ۲۱). بدون شک امروزه تأثیر رسانه در روابط خانوادگی و تربیت فرزندان به طور چشمگیری قابل مشاهده است و نباید از تأثیر رسانه‌های جمعی بر این مسأله ی مهم و اساسی غفلت ورزید. زیرا دشمنان نتوانستند اسلام را با شمشیر و توپ و تانک و ... از بین ببرند و تنها سلاح آنان در حال حاضر رسانه می‌باشد.

اثرات مثبت رسانه گروهی بر تربیت معنوی فرزندان:

- کمک به رشد آگاهی معنوی مانند یادگیری فضیلت سوره‌ها و ...
- کمک به رشد مهارت‌های معنوی اجتماعی مانند مدیریت دارالقرآن و ...
- الهام بخشی مانند حس خوب و مثبت
- کمک به مهارت‌های هماهنگی حرکتی مانند حرکت پیاده روی اربعین و ...
- کمک به رشد مهارت‌های خواندن و نوشتن مانند یادگیری قرائت قرآن و ...
- پر کردن اوقات فراغت کودکان و نوجوانان و ...

### ❖ ایجاد توانایی و هدایت رفتار

برای آماده‌سازی اعمال معنوی در فرزندان، نخست باید تمهیداتی فراهم شود که در دین مقدس اسلام بدان پرداخته شده است. علما و اندیشمندان دینی بر مسأله آماده‌سازی و تمرین فرزندان در دوران پیش از بلوغ نسبت به تکالیف معنوی تأکید کرده‌اند. فقها در کتاب‌های فقهی بابی با عنوان «احکام الصبی»، به اعمال معنوی کودکان غیر بالغ و وظایف والدین در این رابطه اختصاص داده‌اند، که از مجموع آن‌ها این اصل مهم تربیتی استنباط می‌شود. در فقه آمده است پدر و جد پدری، شرعاً موظف به تمرین دادن کودکان به عبادت، اعم از واجب و مستحب و همچنین قضای آن است (خمینی ۱۴۲۴، ۷۵۸). حتی آنان موظف به بیدار کردن فرزندان از خواب برای نماز هستند؛ مگر آنکه به دلیل بیماری یا عذر دیگری، باعث آزار و اذیت او شود که در این صورت باید مراعات حال آن‌ها را کرد (گلیپایگانی ۱۴۱۲، ۵۲۷). از مجموع روایات نیز بر می‌آید که باید از همان کودکی، آمادگی و زمینه‌های لازم در زمینه آموزش و تربیت عبادی را در کودکان به وجود آورد تا آمادگی لازم برای مراحل بالاتر آموزش عبادی در آنان ایجاد شود. در اینجا به تعدادی از این روایات اشاره می‌شود. معاویه بن وهب از امام صادق (علیه‌السلام) پرسید: در چه سنی کودک به اعمال عبادی وادار می‌شود؟ آن حضرت فرمود: «شش-هفت سالگی» (مجلسی و موسوی همدانی بی تا، ۵۰۸). امام باقر (علیه‌السلام) فرمود: «... اگر کودک دست راست و چپ خود را تشخیص داد، او را در برابر قبله قرار دهید و سجده را به او بیاموزید و در سن شش سالگی رکوع و سجود را به او آموزش دهید. سپس رهایش کنید تا هفت سال او تمام شود. پس وقتی هفت سال او تمام شد، به او بگویید صورت و دست خود را بشوید (آمادگی برای وضو). سپس به او بگویید نماز بخواند؛ آن‌گاه کودک را به حال خود واگذارید تا نه سال او تمام شود، وقتی تمام شد، در این هنگام وضو گرفتن صحیح را به او بیاموزید و بر [ترک] آن تنبیه گردد و او را به نماز وادارید و بر [ترک] آن تنبیه گردد. وقتی وضو و نماز را فراگرفت، خداوند، او و پدر و مادرش را می‌آمزد؛ ان شاءالله!» (طبرسی ۱۳۷۰، ۲۲۲). امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «در خانه خود اذان بگو تا شیطان از آنجا بگریزد و اذان گفتن مستحب است؛ زیرا کودکان به آن ذکر آشنا می‌شوند» (کلینی ۱۳۷۵، ۳۰۸).

### ❖ ایجاد کنترل در رفتار و سنجش محیط، شرایط و موقعیت (توان مهارگری)

توان مهار یک رفتار و تعدیل آن در یک موقعیت و شرایط خاص و به تاخیر انداختن ارضای حاصل از انجام یک کار. به عبارتی دیگر انجام رفتارهای مردم پسندانه و کنترل تکانه‌ها و فرآیندهای درونی به صورت اطاعت از بزرگسال و درونی سازی ارزش‌های دیگران و وجدان اخلاقی. مثال: کودک می‌تواند در خانه شما که در طبقه اول است، حسابی شیطنت کند و بدود، حتی با او همپا و همبازی شوید و در اوج شادی با اوصحبت کنید که فرضاً در خانه فلانی که طبقه دوم است اگر مهمان بودیم نباید این کار را انجام دهی و باعث ناراحتی و آزار دیگران شوی. امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرماید: هرگاه به کودکان وعده‌ای می‌دهید آنرا برایشان عملی کنید (تعهد پذیری) زیرا آنان می‌پندارند شما همان کسانی هستید که روزیشان می‌دهید. بی گمان خداوند بزرگ به اندازه‌ای که برای رعایت نکردن حقوق زنان و کودکان خشمناک می‌شود، برای چیز دیگری خشمناک نمی‌شود.

### ❖ ایجاد، تقویت و پرورش روح تقوا و هدایت‌پذیری

پرورش روح تقوا در فرزندان از مهم‌ترین مباحث تربیت معنوی به شمار می‌رود. وقتی در فرزندان ما روح تقوا حاکم شود، افرادی مثل امام خمینی (ره) از آن‌ها ساخته می‌شود که هیچ کس و چیزی نتوانست آن را به مادیات علاقمند کند. بدین رو پرورش روح تقوا یعنی هدایت فرزند به سمتی که خودش راننده و هادی دیگران می‌شود. از توصیفات که در مجموعه آیات و روایات درباره تقوا وارد شده، می‌توان حقیقت آن را به دست آورد. در برخی از آیات، از آن با عنوان

لباس، بهترین توشه و در روایاتی، آن را با عنوان دژ مستحکم، مرکب راهوار، پناهگاه امن، رشته و ریسمان استوار و... یاد می‌کنند. می‌توان در جمع بندی چنین گفت: تقوا همان نیروی بازدارنده و احساس مسؤولیت و تعهدی است که به دنبال رسوخ ایمان در قلب انسان در وجود او پیدا می‌شود و او را از مرتکب شدن به گناهان بازداشته و همواره او را به نیکی و پاکی و رعایت عدالت فرامی‌خواند، اعمال و کردار را خالص و فکر و نیت و قصد او را از آلودگی‌ها مصون نگه می‌دارد. این همان امری است که امام علی (علیه‌السلام) آن را کلید گشودن هر در بسته و ذخیره رستخیز و ابزار آزادی انسان از بردگی شیطان و وسیله نجات از هر امر مُهْلک معرفی می‌کنند. خداوند در آیه ۷۴ سوره مبارکه «فرقان» می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا؛ و کسانی‌اند که می‌گویند پروردگارا به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان [ما] باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان». یکی از ویژگی‌های ابدالرحمن این است که می‌گوییم خداوند از همسران و فرزندان به ما نور چشمی بده و ما را امام متقین کن؛ یعنی تقوای بالایی داشته باشیم. یعنی می‌شود کسی تقوا داشته باشد و در قله تقوا باشد و امام هم نباشد. امام متقین گاهی برای یک محدوده کوچک و گاهی هم برای همه است، مثل امام المتقین یعنی امام علی (ع). مراتب تقوا را از زاویه‌های گوناگون می‌توان بررسی کرد. از زاویه عقل دو مرتبه داریم؛ تقوای عقلانی فطری و تقوای عقلانی شرعی. مرتبه اول تقوای عقلی، تقوای عقلانی فطری است. یعنی فطرت و سرشت انسان، او را به این نوع تقوا دعوت می‌کند. هر کسی در وجود خود باید و نبادهای اخلاقی دارد. وجدان، تقوای عقلانی فطری است. قرآن این نوع تقوا را الهام الهی می‌داند. خداوند در آیات ۷ و ۸ سوره مبارکه «شمس» می‌فرماید: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا \* فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا؛ سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد، سپس پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به آن الهام کرد». دهمین و یازدهمین قسم خدا در این آیه است.

#### ❖ تربیت عملی (شرکت در نماز جماعت، جلسه‌های دعا، اعتکاف و مراسم دینی)

یکی از روش‌های تربیت کودکان که مورد تأکید حضرات معصومان (علیهم‌السلام) است، شرکت دادن آنان در مکان‌ها و مراسم‌های مذهبی است. شرکت دادن کودکان در مراسم مذهبی، از روش‌های مؤثر آشناسازی آنان با ارزش‌های اسلامی است؛ زیرا کودک با چشم خود صحنه‌های حضور مردم در مراکز دینی را مشاهده می‌کند و شیوه ابراز احساسات نسبت به بزرگان دین را فرامی‌گیرد. به ویژه، مشارکت کودک در نماز جماعت و بردن او در مسجد نقش اساسی در تربیت دینی او دارد؛ زیرا مسجد از جایگاه رفیعی در اسلام برخوردار است و نماد اسلام به شمار می‌رود. همراه بردن کودکان و نونهالان به مسجد و شرکت دادن آن‌ها در نماز جماعت، از یک سو این صحنه‌ها را جذاب‌تر می‌کند و از سوی دیگر، تصویر این منظره‌ها را در ذهن آنان زنده نگه می‌دارد و موجب تشویق آن‌ها به برپایی برنامه‌های دینی و به ویژه، نماز جمعه و جماعت می‌شود. ائمه بزرگوار (علیهم‌السلام) در آموزش واجبات دینی و قرآن، به ویژگی‌های سنی و شرایط کودکان توجه داشته‌اند و از امام باقر (علیه‌السلام) در این باره روایتی جالب نقل گردیده است: ما کودکانمان را از سن پنج سالگی به خواندن نماز وادار می‌کنیم، ولی شما از سن هفت سالگی آن‌ها را به اقامه نماز امر کنید. عبدالله بن فضالی از امام باقر یا امام صادق (علیه‌السلام) روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «هرگاه کودک به سه سال رسید، هفت مرتبه کلمه توحید را بگوید. وقتی سه سال و هفت ماه و بیست روزش تمام شد، هفت بار بگوید محمد (ص)، فرستاده خداست؛ هنگامی که چهار سالش کامل شد، هفت بار درود بر پیامبر (ص) و آل پیامبر بفرستد. زمانی که پنج سالش به پایان رسید، از دست راست و چپش بپرسد؛ پس از آن رو به قبله بنشاند و سجده کند. شش ساله که شد، شستن دست و صورت را به او بیاموزد، آن گاه امر به نماز کند. هر زمان نه سالش تمام شد، وضو را به وی بیاموزد و اگر

انجام نداد، تنبیه بدنی کند و همچنین نماز را به او یاد دهد و اگر اطاعت نکرد، کتک بزند. وقتی وضو و نماز را آموخت، خداوند پدر و مادرش را می‌بخشد.» نکته مهم تربیتی در این روایت، آن است که احکام اسلامی را به تدریج باید به کودک تعلیم داد، نه به صورت یک جا. پدر و مادر باید با پیروی از سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) دستورات الهی را به صورت گام به گام و با فاصله مناسب زمانی به کودکان تعلیم دهند تا آن‌ها هم از یادگیری خسته نشوند و هم بتوانند آن چه را فرا می‌گیرند، تمرین کنند. نحوه آموزش معارف به کودکان نیز باید این گونه باشد که ابتدا خداشناسی، توحید و نبوت را آموزش دهند و سپس به سراغ احکام عملی بروند. هم چنین از آموزش امور زندگی مانند شناخت دست راست و چپ نباید غفلت کرد. استفاده از تنبیه به عنوان یک روش در تربیت کودک نیز از روایت فهمیده می‌شود.

### ❖ انجام برنامه‌های عبادی در پیش چشم کودک

یکی از راهکارهای مهم آماده‌سازی فرزندان برای انجام تکالیف معنوی که آثار تربیتی‌اش به تدریج در فرزندان سرایت می‌کند، انجام برنامه‌های عبادی در پیش چشم کودک است. برای آموزش و جذب فرزندان برنامه‌های عبادی، روش‌های گوناگونی وجود دارد که می‌توان به فراخور سن و وضع روحی ایشان آن‌ها را به کار گرفت. در این میان، انجام برنامه‌های عبادی در پیش چشم کودک اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا از روش‌های بسیار راه‌گشایی است که خدای تعالی در قرآن برای هدایت انسان‌ها بارها به شکل غیرمستقیم بهره گرفته است. حکایت‌های وارد شده از پیامبران در قرآن جملگی از این مقوله است. معصومین (علیه‌السلام) فرزندان خود را در برنامه‌های عبادی همیشه به همراه خود شرکت می‌دادند، در نماز جماعت، در تجمع‌های عبادی، در جلسات قرآن و... بزرگان دین و علما هم این شیوه تربیتی را در سیره خود داشتند و فرزندان خود را حتی منبرهایی که خود سخنران آن بودند به مسجد می‌آوردند. بین رو لازم است فرزندان خود را در جلسات قرآن، جلسات هیات، محافل انس با قرآن، منبرها، سخنرانی‌ها و روضه‌ها و... همراه خود تشویق کنیم.

### نتیجه‌گیری

از آنجایی که تربیت انسان و ایجاد هرگونه تحول در جان او، نیازمند تمرکز ذهنی و روانی است، شایسته است این تمرکز ذهنی و روانی صرف موضوعی شود که تأثیر بیش‌تری در شخصیت انسان دارد تا بدین ترتیب، فعالیت‌های تربیتی، بهینه و بهره‌ورانه گردد. از دیدگاه اسلام، تشکیل خانواده و تربیت صحیح فرزند، جایگاه ویژه داشته و نردبان صعود شمرده شده است. تربیت معنوی «تربیتی خداگرا، خدامحور و اصلاح‌کننده‌ی رابطه‌ی انسان با آفریدگار است». ویژگی بارز چنین رویکردی تقویت بنیان‌های اعتقادی و عرفانی شناخت و معرفت خدا و روحیه‌ی عبودیت و بندگی است. درواقع، تربیت معنوی برای این است که انسان روابط خود را با خدا، جهان، زندگی دنیا و آخرت شکل دهد و طبق همان صورتی که فلسفه‌ی کلی جامع اسلامی از خالق، انسان، جهان و زندگی دنیا و آخرت تعیین کرده است، گام بردارد. بر این اساس، وقتی در پرتو تربیت معنوی، رابطه‌ی انسان نسبت به معبود خود، در مسیر درست قرار گرفت و زندگی او رنگ و بوی الهی یافت، تربیت واقعی صورت گرفته و انسان گام‌های بلندی برداشته است. غایت تربیت معنوی، تربیت دینی است. از سوی دیگر، دو نوع معنویت وجود دارد: ۱- معنویت غیر دینی که تا حدی می‌تواند به قدرت‌های روح از راه کنترل، تهذیب نفس و کم کردن نقش محسوسات که پایین‌ترین مرحله‌ی تربیت است (حداکثر به عالم ملکوت)، دسترسی یابد و ۲- معنویت دینی و به ویژه معنویت در دیدگاه اسلام است که اگر فرد طبق راهکارهای آن عمل کند، می‌تواند به کمال و فعلیت قدرت‌های روح و عوالم دیگر مانند عالم جبروت و عالم اسماء الهی برسد.

## منابع

### قرآن کریم

### منابع فارسی

- ابن سینا، حسین بن عبدالله. بدون تاریخ. القانون فی الطب. ۳ ج. بغداد - عراق: مکتبه‌ی المثنی.
- اعرافی، علیرضا. ۱۳۸۷. فقه تربیتی. تهران: موسسه اشراق و عرفان.
- امینی، ابراهیم. ۱۳۹۰. تربیت. ۱ ج. قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- باغکلی، حسین. ۱۳۸۹. مروری بر رویکرد متفکران غربی (پس از رنسانس) به تربیت معنوی انسان. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- باهنر، ناصر. ۱۳۸۷. آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- بناری، علی‌همت. ۱۳۸۳. نگرشی به تعامل فقه و تربیت. قم: مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- بیضاوی، عبدالله بن عمر و هاشم محدث. ۱۳۸۲. نظام التواریخ. ۱ ج. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- پاینده، ابوالقاسم. ۱۳۸۲. نهج الفصاحه‌ی. ۱ ج. تهران: دنیای دانش.
- جمعی از نویسندگان. ۱۳۸۸. همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر: مقالات برگزیده. مقاله‌ی برنامه درسی بری دست‌یابی به تربیت دینی. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- نگارش، حمید. ۱۳۸۰. هویت دینی و انقطاع فرهنگی. قم: نمایندگی ولی فقیه در سپاه مرکز تحقیقات اسلامی.
- خمینی، سیدروح‌الله. ۱۴۲۴. توضیح المسائل. قم: نشر روح.
- داودی، محمد. ۱۳۸۹. سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله علیه و آله و اهل بیت علیه‌السلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دشتی، محمد و محمد بن حسین شریف الرضی. ۱۳۷۹. نهج البلاغه‌ی (ترجمه دشتی). ۱ ج. قم: مشهور.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. ۱۳۹۵. گزیده سیره نبوی. ۱ ج. تهران: دریا.
- رفیعی، بهروز. ۱۳۸۸. آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. بی‌جا: مؤسسه چاپ سبحان.
- سادات، محمدعلی. ۱۳۸۴. رفتار والدین با فرزندان. تهران: انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- سبحانی تبریزی، جعفر. ۱۳۸۵. فروغ ابدیت. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- شریعتی، علی. بدون تاریخ. فلسفه تعلیم و تربیت. ۱ ج. بی‌جا: بعثت.
- صانعی، مهدی. ۱۳۸۰. پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: سناباد.
- صدوق، ابی‌جعفر محمدبن‌علی‌بن‌حسین. ۱۴۰۳. الخصال. قم: جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه.
- صدیق، عیسی. ۱۳۵۴. تاریخ فرهنگ ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صمدی‌آملی، داود. ۱۴۰۰. شرح مراتب طهارت. تهران: روح و ریحان.
- طباطبایی، محمد حسین، فاطمه مشایخ و کمال مصطفی شاکر. ۱۳۸۴. ترجمه خلاصه تفسیر المیزان. ۴ ج. تهران: اسلام.
- طباطبایی، محمد حسین، فاطمه مشایخ و کمال مصطفی شاکر. ۱۳۸۴. ترجمه خلاصه تفسیر المیزان. ۴ ج. تهران: اسلام.
- علاء‌الدین، سیدمحمد رضا. ۱۳۸۰. مجله قرآنی کوثر. تهران: موسسه فصلنامه قرآنی کوثر.

- فرید، مرتضی. ۱۳۸۶. الحدیث: روایات تربیتی از مکتب اهل بیت (ع). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- فلسفی، محمدتقی. ۱۳۶۸. الحدیث. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۸۷. گفتار فلسفی: کودک از نظر وراثت و تربیت. تهران: نشر معارف اسلامی.
- قائمی، علی. ۱۳۷۶. پرورش مذهبی و اخلاق کودکان. تهران: امیری.
- قمی، ابی الحسن علی بن ابراهیم. ۱۴۰۴. تفسیر القمی. قم: مؤسسه دارالکتاب.
- کریمی، عبدالعظیم. ۱۳۷۳. تربیت آسیب زا. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- گلپایگانی، سیدمحمد رضا. ۱۴۱۲. مجمع المسائل. قم: دارالقرآن الکریم.
- مجتهدی، کریم. ۱۴۰۰. کانت و اختلاف نظر میان مفسران فلسفه او. ۱ ج. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محمدی ری شهری، محمد، سید محمد کاظم طباطبایی و حمید حسینی. ۱۳۹۲. منتخب میزان الحکمه ی. ۱ ج. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث. سازمان چاپ و نشر.
- محمدیان، بهرام. ۱۳۸۶. نگاهی دیگر به حقوق فرزندان از دیدگاه اسلام. تهران: انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، واحد انتشارات.
- مدیرشانه چی، کاظم. ۱۳۷۸. علم الحدیث و درایه ی الحدیث. ۱ ج. قم: جماعه ی المدرسین فی الحوزه ی العلمیه ی بقم. مؤسسه ی النشر الإسلامی.
- مروجی طبسی، محمد جواد. ۱۳۸۷. حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت. قم: دفتر تبلیغات اسلامی
- مصباح یزدی، محمد تقی. ۱۳۸۸. تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر: گفت و گوها. تهران ایرن: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مطهری، مرتضی. ۱۳۶۲. تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۷۳. گفتارهای معنوی. تهران: صدرا.
- نجفی، محمدحسین و صاحب علی محبی. ۱۳۸۸. آیات الأحکام فی جواهر الکلام. ۶ ج. قم: احسن الحدیث.
- نگارش، حمید. ۱۳۹۱. مجله هویت دینی و انقطاع فرهنگی. سال هشتم. شماره ۲.
- وزیری، مجید. ۱۳۸۴. حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام و موارد تطبیقی آن. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل.

### منابع عربی

- ابن منظور، محمد بن مکرم. بدون تاریخ. لسان العرب. ۱۵ ج. بیروت - لبنان: دار الفکر للطباعه ی و النشر و التوزیع.
- ابن بابویه، محمد بن علی و حسین اعلمی. ۱۴۰۰. أمالی الصدوق. بیروت - لبنان: مؤسسه ی الأعلمی للمطبوعات.
- البرقی، احمد بن محمد بن خالد. ۱۳۷۱. المحاسن، قم: دارالکتب الاسلامیه ی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. بدون تاریخ. علل الشرائع. قم: مکتبه ی الداوری.

- الحلوانی، الحسین بن محمد بن الحسن بن نصر. ۱۴۰۸. نزهة الناظر وتنبيه الخاطر. تحقیق مدرسه‌ی الإمام المهدی (عج). قم: مدرسه‌ی الإمام المهدی (عج).
- ابن بابویه، محمد بن علی، علی اکبر غفاری، محمدجواد غفاری و صدالدین بلاغی. ۱۳۶۹. ترجمه و متن کتاب من لا یحضره الفقیه. ۶ ج. تهران: نشر صدوق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، مهدی لاجوردی. بدون تاریخ. عیون أخبار الرضا علیه السلام. ۲ ج. تهران: جهان.
- ابن شعبه، حسن بن علی. ۱۳۸۲. تحف العقول. ۱ ج. قم: آل علی (علیه السلام).
- ابن حیون، نعمان بن محمد و محمد کاظم رحمتی. ۱۴۲۸. الإيضاح. ۱ ج. بیروت - لبنان: مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات.
- ابن فهد حلی، احمد بن محمد و احمد موحدی قمی. ۱۴۰۷. عده‌ی الداعی و نجاح الساعی. ۱ ج. بیروت: دار الکتب الإسلامی.
- الاحسائی، ابن ابی جمهور. ۱۴۰۳. عوالی اللغالی، تحقیق مجتبی العراقی. بیروت - لبنان: دار الکتب العلمیه‌ی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. ۱۳۶۶. غررالحکم و دررالکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه.
- حمید الله، محمد، احمد بن یحیی بلاذری، احسان عباس، عبد العزیز دوری و محمدباقر محمودی. ۱۳۹۴. أنساب الأشراف. بیروت - لبنان: دار المعارف.
- حر عاملی، محمد بن حسن و محمد رضا حسینی جلالی. ۱۴۱۶. تفصیل وسائل الشیعه‌ی إلى تحصیل مسائل الشریعه‌ی. ۳۰ ج. قم: مؤسسه‌ی آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
- حر عاملی، محمد بن حسن و حسین بن محمد تقی نوری. ۱۳۸۲. مستدرک الوسائل. ۳ ج. قم: اسماعیلیان.
- حسینی راوندی، سید ابوالرضا ضیاء الدین فضل الله بن علی بن عبیدالله. بدون تاریخ. النوادر. قم: مؤسسه دارالکتب.
- حلی، ابو منصور بن یوسف. ۱۴۱۳. مختلف الشیعه. قم: جامعه مدرسین.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد و عدنان داوودی. ۱۴۱۲. مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار الشامیه‌ی.
- طبرسی، حسن بن فضل. ۱۳۷۰. مکارم الأخلاق. ۱ ج. قم: الشریف الرضی.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن. ۱۳۸۸. الأمالی. قم: اندیشه هادی.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۴۸. إختيار معرفه‌ی الرجال. مشهد: دانشگاه مشهد.
- \_\_\_\_\_ ۱۴۱۱. الغیبه‌ی. قم: مؤسسه‌ی المعارف الاسلامیه‌ی.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، حسن خراسان و محمد آخوندی. ۱۳۶۵. تهذیب الأحکام. ۱۰ ج. تهران: دار الکتب الإسلامیه‌ی.
- غزالی، محمد بن محمد و زین الدین کیائی نژاد. بدون تاریخ. مکاتیب فارسی غزالی. ۱ ج. بی جا.
- غزالی، محمد بن محمد، عبد الرحیم بن حسین حافظ عراقی و عبدالقادر بن شیخ عیدروس. بدون تاریخ. إحياء علوم الدین. ۱۶ ج. [بی جا]: دار الکتب العربی.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی و علی اکبر غفاری. ۱۴۱۷. المحجّه‌ی البیضاء. ۸ ج. قم: جماعه‌ی المدرسین فی الحوزه‌ی العلمیه‌ی بقم. مؤسسه‌ی النشر الإسلامی.
- کراجکی، محمد بن علی. بدون تاریخ. کنز الفوائد. قم: مکتبه‌ی المصطفوی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۷۵. اصول کافی. ۶ ج. قم: سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه.



- لاذری، احمد بن یحیی. ۱۴۱۷. انساب الاشراف. بیروت: دار الفکر.
- لیثی واسطی، علی بن محمد و حسین حسنی بیرجندی. ۱۳۷۶. عیون الحکم و المواعظ. ۱ ج. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث. سازمان چاپ و نشر.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی و ابوالحسن موسوی همدانی. بدون تاریخ. ترجمه بحار الأنوار. ۲ ج. تهران: گنجینه.
- متقی، علی بن حسام‌الدین، بکری حیانی و صفوه سقا. ۱۴۰۹. کنز العمال فی سنن الأفعال و الأفعال. ۱۸ ج. بیروت - لبنان: مؤسسه‌ی الرساله‌ی.
- مقریزی، احمد بن علی و محمد عبدالحمید نمیبی. ۱۴۲۰. إمتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال و الأموال و الحفده‌ی و المتاع. بیروت - لبنان: دار الکتب العلمیه‌ی.
- نوری، حسین بن محمدتقی. ۱۴۰۸. مستدرک الوسائل. ۳۰ ج. بیروت - لبنان: مؤسسه‌ی آل‌البتیت (علیهم السلام) لإحیاء التراث.

#### ب. مقالات

- انصاری مقدم، مجتبی. ۱۳۹۹. «واکوی راهکارهای تربیت معنوی در آموزه‌های قرآنی». مجله مطالعات علوم قرآنی. ۲ (۴): ۴۷-۶۹.
- باغلی، حسین، بختیار شعبانی ورکی، ابوالفضل غفاری، علی نهایندی. ۱۳۹۱. «نقد مفهوم معنویت در تربیت معنوی معاصر: معنویت دینی و نوپیدی» مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی ۱۶(۳): ۸۹-۱۱۵.
- \_\_\_\_\_، علی نهایندی، ابوالفضل غفاری. ۱۳۹۴. «تحلیل و نقد رویکردهای تربیت معنوی نوپدید». مجله تربیت اسلامی ۲۰ (۵): ۵۴-۲۹.
- سلحشوری، احمد. ۱۳۹۰. «حدود و ثغور تربیت اخلاقی؛ تربیت معنوی و تربیت دینی» مجله رهیافتی نو در مدیریت آموزشی ۶ (۲): ۴۱-۵۶.
- شاکر نژاد، احمد. ۱۳۹۴. «رواج معنویت؛ روی‌گردانی از دین یا بازگشت به دین». مجله اسلام و مطالعات اجتماعی. ۳ (۴): ۲۸-۵۱.
- شکوهی یکتا، محسن. ۱۳۶۱. «تربیت و تعلیم را از سیره معصومین (علیه‌السلام) بیاموزیم» مجله رشد معلم. ۱ (۲): ۱۸-۳۵.
- محدثی، جواد. ۱۳۷۹. «روش خطابه و سخنوری». مجله مبلغان ۹: ۳۲-۴۸.
- مصباحی جمشید، پرستو، محمدرضا سرمدی، مهران فرج‌اللهی، سید محمد میردامادی، زهره اسماعیلی. ۱۳۹۶. «وضعیت عقل، دین و علم در عصر پست مدرن و ملاحظاتی آن در تربیت معنوی با رویکرد انسان‌شناسانه». مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی ۳۳ (۹): ۱۰۵-۸۳.
- ملکی، حسن، عباسعلی شاملی و مهدی شکراللهی. ۱۳۹۰. تربیت عبادی کودکان. مجله اسلام و پژوهش‌های تربیتی سال سوم بهار و تابستان. شماره ۱.